

نظام حقوقی منابع آب آبراههای بین‌المللی خاورمیانه

دکتر جمشید ممتاز

اشاره

آب گرچه مایه حیات است ولی همواره منشأ اختلاف نیز بوده و هست. اگر اختلاف بر سر آب در دوران گذشته در جوامع کوچک روستایی یا شهری در می‌گرفت، اکنون کمبود آن مانعی برای توسعه پایدار^۱ و بهانه‌ای برای رودرو قرار گرفتن دولتها شده است.

در خاورمیانه که رودها جریان‌ات کم آب و فصلی هستند و مقدار آنها بستگی به نزولات آسمانی دارد، کمبود آب یکی از علل بحران در حال و آینده است و وقوع جنگ برای رساندن آب به زمینهای تشنه چندان

-
۱. عبدین صالح و علی‌علی: «کمبود آب و توسعه پایدار»، ترجمه بهرام معلمی، فصلنامه طبیعت و منابع (Nature and Resources)، سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۲ (طبیعت و منابع توسعه پایدار برای همه)، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ص ۴۴.
 ۲. «آب، گره کور بحرانهای آینده در خاورمیانه»، روزنامه سلام، شماره ۸۶۶، ۷۳/۳/۳، ص ۸.
 ۳. «ترکیه؛ تلاش برای گسترش نقش منطقه‌ای»، روزنامه همشهری، شماره ۴۰۶، ۷۳/۳/۳، ص ۹.

بعید به نظر نمی‌رسد^۲ و برخی دولتها به صراحت آب را در مقابل صلح قرار داده‌اند.^۳

درباره جنبه‌های علمی و فنی «بحران آب» و راه‌های مقابله با آن بسیار گفته و نوشته‌اند. تأثیرات اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی در دست داشتن منابع آب نیز در دهه اخیر توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. اما در این میان به جنبه‌های حقوقی مسأله که اهمیت و کاربرد آن برکسی پوشیده نیست، عنایت کمتری شده است و جای خالی تحقیقی جامع که بیان‌کننده اصول حقوقی بهره‌برداری از منابع آب مشترک این منطقه باشد به چشم می‌خورد.^۴

مقاله حاضر در جهت رفع همین نقیصه و تبیین تعهدات بین‌المللی دولتها در این زمینه به نگارش درآمده و چون اصل

۴. کم توجهی به نظام حقوقی آبراههای آسیا و بخصوص خاورمیانه در قیاس با نظام حقوقی رودهای مغرب زمین که مطالعات زیادی درباره آن شده، سبب گردیده برخی این نظام را در حال گذران دوران کودکی بدانند که تا رسیدن به مرحله بلوغ سالها باید بگذرد (رك. ناصر فرشادگهر: نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروندرود، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷، ص ۱۵۷). البته نباید فراموش کرد که در این میان درباره اروندرود بحق تحقیقات زیادی انجام گرفته است.

مقاله به زبان فرانسه نوشته شده است،^۵ به منظور استفاده هر چه بیشتر، متن کامل آن زیر نظر مؤلف محترم توسط آقای «امیر حسین رنجبریان» به فارسی برگردانده شده است و هنگام ترجمه، برای تکمیل برخی مطالب و افزونی فایده اصل مقاله، توضیحاتی در ذیل صفحات به آن اضافه شده که با علامت ستاره (×) مشخص گردیده است. گفتنی است در مقاله دو واژه «آبراه» و «رود» در یک معنا به کار گرفته شده است، هر چند که به لحاظ مفهوم حقوقی آن^۶ از آبراه بیشتر استفاده شده است. همچنین در مواردی که آوردن تاریخ شمسی در کنار تاریخ میلادی مفید به نظر رسیده، به ذکر آن در داخل قلاب اقدام شده است. ضمناً پانوشتهای اصل

۵. برای ملاحظه متن اصلی مقاله رک.:

Djamchid Momtaz: "Le Regime Juridique des Ressources en EAU Des cours d'eau internationaux du Moyen-Orient", *Annuaire Francais de Droit international*, xxxix, 1993, pp. 874-897.

۶. تفاوت اصلی رود یا آبراه بین المللی با رودهای داخلی آن است که آنها از سرزمین بیش از یک دولت گذر می کنند و بر دو گونه اند: رودهای همجوار یا مرزی که قلمرو دو دولت را از هم جدا می کنند و رودهای پیایی یا متوالی که از قلمرو چند دولت می گذرند.

"Cf. N. Quco Dinh, et p. Daillier, A. Pellet: "Droit international public", L. G. D. J., Paris, 3e edition, 1987, P. 1043.

کمیسیون حقوق بین الملل، آبراه بین المللی (International Watercourse) را آبراهی می داند که قسمتهایی از آن در قلمرو چند کشور واقع باشد.

نظام حقوقی منابع آب... ❖ ۴۷

مقاله، بجز در مواردی که ترجمه آنها لازم بوده، به‌طور کامل و با همان شماره، به زبان اصلی در زیر صفحات آمده است.

مقدمه

آسیای جنوب غربی موسوم به خاورمیانه، منطقه‌ای است عموماً خشک و کم‌آب با کوههایی مرتفع که در محدوده بین دریای اژه، بحرالمیّت، دره سند، خلیج فارس و دریای مازندران واقع شده است. ناهمخوانی بین رشته کوههایی سر به فلک کشیده و طولانی با قله‌هایی همیشه پوشیده از یخ و برف و دشتهای پهناور و کم و بیش خشک داخل آن، وجه مشخصه این اقلیم است.

بالتبع میزان بارندگی بر جریانهای آب این منطقه تأثیر می‌گذارد* این

*. عوامل گوناگونی در میزان بارندگی دخیل است و پراکندگی قاره‌ها، وضع ناهمواریها، وجود کوهها و حتی گردش زمین بر آن اثر می‌گذارد. بخار آبهای اقیانوس اطلس به سمت شرق می‌آید. به دلیل گرمی هوا ابرها به شمال آفریقا نمی‌روند و به سمت اروپا می‌آیند. از برخورد هوای سرد ارتفاعات مرکزی اروپا و هوای گرم ابری، قسمت اعظم بارانها در جنوب اروپا می‌ریزند. از غرب به شرق هر چه بیشتر برویم، کشورها باران کمتری دریافت می‌کنند. سرانجام، باقیمانده این ابرها به ترکیه می‌رسند و اگر قدرت و فشاری داشته باشند، از کوههای ترکیه می‌گذرند و به کوههای غربی ایران می‌رسند

جریانها معمولاً سیلابهای تند و خروشان و فرساینده‌ای هستند که از کوه‌ها سرزیر می‌شوند و تغییرات ناگهانی و مهمی بر مقدار آب دارند: در بهار با ذوب شدن برف‌ها آب فراوان است و در پایان تابستان اندک^۷

در منطقه‌ای چنین خشک که نبود آب محل امر کشت و زرع است، منابع رودخانه‌ای در درجه اول اهمیت برای آبیاری اراضی قرار دارند.^۸ لذا آن‌گونه که از معاهدات دوجانبه برمی‌آید، نظام حقوقی آبراهه‌هایی که از دامنه کوه‌ها سرچشمه می‌گیرند و به طور معمول از سرزمین چند دولت گذر می‌کنند و بهره‌گیری از آنها در کشاورزی اهمیت اساسی دارد، به طور خاص ناظر به استفاده‌های کشاورزی و آبیاری است. فزونی جمعیت و پیشرفت فنون موجب گردیده تا استفاده آبیاری از

(جواد صفی‌نژاد: مبانی جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۷۷).
البته باید توجه داشت که کرانه‌های دریای مازندران در این میان میزان بارندگی بالایی دارند.

7. Colbert C. Reld "Middle East Patterns" Westview Press, 1989, pp. 41 et suiv. et Encyclopaedia Uniuersalis, vol. 2 1968, pp. 558-563.

8. Encyclopaedia Uniuersalis, 1973, vol. 7, p. 46. Pour la superficie des terres irriguees et leur pourcentage par rapport aux terres cultivees, Cf. Organisation des Nations Unies pour l'Alimentation et l'Agriculture, Annuaire, vol. 44, collection statistique N 99, 1990, p. 15.

آبراهها جنبه‌های جدیدی بیابد که همین امر منشأ منازعات شدیدی بین دولتها بر سر تصاحب آب رودها شده است.

۱

آبیاری، اصل اساسی معاهدات دوجانبه

اصلی‌ترین کارکرد اقتصادی آبراههای خاورمیانه در وهله نخست آبیاری و بعد از آن تولید نیروی برق است. بجز چند استثناء، معاهدات دوجانبه لازم‌الاجراء به گونه‌های دیگر استفاده از آبراهها نپرداخته‌اند.

برخلاف اروپا و سایر مناطق معتدل که حقوق آبراهها اساساً مربوط به حق کشتیرانی است، در خاورمیانه فقط يك توافق در این خصوص وجود دارد و آن «موافقتنامه ایران و عراق درباره مقررات کشتیرانی در شط‌العرب (اروندروود)^۹ است که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ (دی ماه ۱۳۵۴) در بغداد امضاء شده است. براساس این توافق، در تمام طول شط‌العرب (اروندروود) که از به هم پیوستن دجله و

9. Recueil des Traités des Nations Unies, vol. 1017. P. 229.

فرات تشکیل یافته، حق آزادی کشتیرانی برای کشتیهای تجاری به رسمیت شناخته شده است. قبل از آنکه شطالعرب خود را به آغوش خلیج فارس بسپارد، خطالقعر آن به طول ۱۰۵ کیلومتر، مرز دو همسایه را مشخص می‌کند. طبق این توافق، کشتیرانی تجاری تحت هر پرچمی آزاد است و کشتیهای جنگی دولتهای دیگر طبق شروط خاص و با دعوتهای دولتهای ساحلی می‌توانند به بندرهای هر یک از دو دولت وارد شوند. ایجاد «دفتر مشترک هماهنگی» نیز پیش‌بینی شده است تا مسیر قابل کشتیرانی آبراه را تعیین کند و اقدامات لازم برای تضمین ایمنی دریانوردی را بعمل آورد.^{۱۰} اما از دیگر استفاده‌های معمول از آبراهها، به ندرت در عهدنامه‌ها ذکر شده است. در مبادله‌نامه افغانستان و پاکستان به سال ۱۹۳۴، پیش‌بینی شده است که اهالی روستایی از پاکستان بتوانند از شعبه ارنواخوار که افغانستان را از پاکستان جدا می‌کند، برای حمل چوب و

10. Cf. notre precedente etude "Le Statut juridique du Chatt-El-Arab dans sa perspective historique", in Actualites juridiques et politiques en Asie. A. Pedone, 1988, PP. 59 et suiv.

الوار استفاده کنند.^{۱۱}

درخصوص صید نیز به جز دو سند که مقررات مختصري را به این موضوع اختصاص داده است، مورد ديگري به نظر نمی‌رسد: يکي «کنوانسیون اتحاد جماهیر شوروي (سابق) و ترکیه برای بهره‌برداری از آبهاي مرزي» است که در ژانویه ۱۹۲۷ در کارس امضاء شده (مادة ۵) و مطابق آن طرفین مکلف به تضمین عبور آزاد ماهیان از میان تأسیسات احداثی روی آبراهها شده‌اند؛ ديگري معاهدة مرزي اتحاد جماهیر شوروي (سابق) و افغانستان است که در ژانویه ۱۹۵۸ در مسکو به امضاء رسیده و طبق آن طرفین می‌توانند وفق مقررات جاری خود، تا محدوده خطوط علامتگذاری شده آبراه به صید پردازند (مادة ۲۲)، در عین حال، مطابق آن، صید شبانه و بکارگیری مواد منفجره، سمی

11. Echange de notes entre le Gouvernement de l'Afghanistan d'une part et le Gouvernement de sa Majeste dans le Royaume Uni et le Gouvernement de l'Inde d'autre part, relatif a la frontiere entre l'Afghanistan et l'Inde aux environs d'Arnawai et de Dokalim. Kaboul, le 3 fevrier 1934. Texte in Serie Legislative des Nations Unies. Textes legislatifs et dispositions de Traités concernant l'utilisation des fleuves internationaux a des fins autres que la navigation. ST/LEG/SER. B/12 1963, Traite N 84.

12. Serie Legislative des Nations Unies, op. cit. Traite N 106.

13. Serie Legislative des Nations Unies, op. cit. Traite N 86.

و روانگردان در امر صید ممنوع شده است. بجز این استثنائات،* معاهدات دیگر اصولاً ناظر بر همکاری کشورهای ساحلی برای دو منظور است: اول تقسیم آب جهت کشاورزی، و دوم احداث تأسیسات.

اول. تقسیم آبراه

در چنین منطقه‌ای خشک و کم آب، و با توجه به اینکه کشاورزی نیاز به آبی فراوان دارد، قواعدی دقیق برای استفاده از آبراهها تدوین شده است.

البته روزگاری بود که این بدور از عدالت و فقط به سود یک طرف انجام می‌شد. نمونه آن، اسناد تعیین حدود انگلستان و روسیه در سالهای ۱۸۸۵-۱۸۸۸ است که دولت پایین دست یعنی افغانستان را از آب

*. علاوه بر موارد یاد شده، طبق ماده هشتم قرارداد ایران و شوروی راجع به انتظامات مرزی ایران و شوروی و ترتیب تصفیه اختلافات و حوادث در مرز، وسایل شناور (قایق، بلم و ...) متعلق به طرفین می‌توانند روی رودخانه سرحدی بدون مانع تا خط مرز رفت و آمد کنند. این رفت و آمد فقط در اوقات روشن شبانه‌روز باید انجام شود. مطابق بند ۳ همین ماده اهالی مناطق و اتباع طرفین حق دارند در آبهای سرحدی تا حدود خط مرز ماهیگیری نمایند. ماده ۱۲ این قرارداد حق آب دادن به احشام را نیز پیش‌بینی کرده است. این قرارداد در ۱۳۳۶ (۱۹۵۷) در مسکو منعقد شده است.

كوشك در شمال چهل دختر محروم مي‌کرد، تا آنكه اتحاد جماهیر شوروي (سابق) اين ممنوعیت را به‌طور یکجانبه طی یادداشت منضم به توافق مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۴۶ در مسکو ملغي کرد.^{۱۴}

در همان اوان به سال ۱۸۸۱ روسیه محدودیت جابرانه‌اي را در استفاده از نهر فیروز که سرچشمه آن در ایران بود، بر دولت ایران تحمیل کرد و ایران از استقرار خانوارهاي جدید و افزایش سطح زیرکشت در اطراف آن ممنوع شد.^{۱۵}

در سال ۱۸۹۵ نیز روسیه کل این ناحیه را به خاک خود ملحق ساخت.^{۱۶*} اما صرف‌نظر از بکارگیری سیاست زور

14. Accord entre l'Afghanistan et l'U. R. S.S. relatif a des questions de frontiere. Recueil des Traites, Nations Unies, vol. 31. p. 165.

15. British and Foreign States Papers, Vol. LxxIII, p. 99.

*. دولت روسیه متعهد شده بود براساس فصل سوم عهدنامه دوستی ایران و جمهوری اشتراکی روسیه، به واسطه عدم تمایل به استفاده از ثمره سیاست غاصبانه دولت تزاری سابق روسیه، قریه فیروزه را با اراضی مجاور آن که مطابق قرارداد ۱۸۹۳ از طرف ایران به روسیه منتقل شده بود، به ایران مسترد دارد. ولی چنین نشد و پس از مذاکره و واگذاری قسمتهایی از نواحی مرزی به ایران، طبق ماده اول موافقتنامه اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایران راجع به حل مسائل مالی و مرزی به سال ۱۳۳۳ (۱۹۵۴ میلادی)، این قریه و زمینهای اطراف آن همچنان در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی باقی ماند.

16. British and Foreign States Papers, Vol. LXXXVI, P. 1246.

که از آن زمان به بعد تغییر یافت، در تمام موارد برسر معیارهای تقسیم آب، مذاکرات فشرده و اغلب مشکلی بین طرفهای ذینفع درگرفت. در مورد آبراههای مجاور که دسترسی آزاد طرفین به آب از جانب سرزمین خودشان تضمین مناسبی برای توازن و تساوی آنها بود، مسأله عموماً با حساسیت کمتری مطرح می‌شد، ولی در مورد آبراههای متوالی، وابستگی کشور پایین‌دست و خطر استفاده بیش از حد کشور بالادست از آب اقتضا می‌کرد که، با توجه به خصوصیات هر مورد، مقررات جامع‌تری در نظر گرفته شود. در بسیاری موارد اهمیت منافع و تمایل به دوری جستن از درگیریهایی احتمالی، طرفین را وادار به تفاهم درباره شیوه سهمیه‌بندی آب کرده است.

۱. معیارهای تقسیم

باید توجه داشت که نیاز به مشروب ساختن دشتهای از آبراهها تنها عامل برای انتخاب معیار تقسیم آب نبوده است، بلکه در اغلب موارد برتری عملی یکی از طرفین یا دخیل بودن قدرتهای بزرگ در حل

نظام حقوقی منابع آب... ❖ ۵۵

تعارضات تعیین‌کننده نتیجه بوده است.

الف. تقسیم مساوی:

به‌طورکلی، آبراه‌های مجاور به‌طور مساوی بین کشورهای هم‌جوار تقسیم شده‌اند. ماده ۱ پروتکل ضمیمه کنوانسیون اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و ترکیه مورخ ۸ ژانویه ۱۹۲۷، رود ارس را که بیش از ۱۰۰ کیلومتر مرز ترکیه و ارمنستان را تشکیل می‌دهد، به همین شکل تقسیم کرده است.^{۱۷} عهدنامه دوستی مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ (اسفند ۱۲۹۹) ایران و جمهوری اتحادی اشتراکی روسیه همین شیوه را برای ادامه این آبراه برگزیده که به طول ۳۵۰ کیلومتر ایران را از ارمنستان و آذربایجان جدا می‌کند.^{۱۸*} مقدمه

17. Protocole annexe a la Convention entre l'U. R. S. S. et la Turquie pour la jouissance des eaux limitrophes. Pour un resume de ce protocole, Cf. "Problemes juridiques poses par l'exploitation et l'utilisation des euves Internationaux", Rapport du Secretaire General, DOC. N.U. A/5409.15.

18. Traite d'Amitie entre la perse et la Republique Socialiste federative des Soviets de Rus-Sia, Recueil des Traités de la Societe des Nations. vol. IX, PP. 400 et suiv.

*. به رغم آنکه موافقتنامه‌های موجود درباره بهره‌برداری از رود ارس به حق مساوی طرفین در استفاده از منابع آب تصریح کرده‌اند، ولی در عمل اجرای این حق برای ایران خالی از اشکال نبوده است. در این مورد، طرف ایرانی در سالهای پیش از فروپاشی شوروی برای استفاده مساوی از آب ارس از آن دولت خواسته بود تا

موافقتنامه مورخ ۱۱ اوت ۱۹۵۷ [۲۰ مرداد ۱۳۳۶] ایران و شوروی [سابق] مربوط به رودهای مرزی [ارس و اترک] نیز بر آن مهر تأیید زده است.^{۱۹} این دو سند، اصل برابری حقوق طرفین را به دو آبراه مرزی دیگر یعنی اترک و سمبار نیز تسری داده است که هر یک به ترتیب ۱۰۰ و ۳۰ کیلومتر مرز بین ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهند.

کنوانسیون ۲۰ فوریه ۱۹۲۶ (اسفند ۱۳۰۴) عشق‌آباد بین اتحاد جماهیر شوروی [سابق] و ایران،* اصل تقسیم مساوی آب را به‌طور استثناء برای شش آبراه متوالی کوچک پذیرفته است که از ایران سرچشمه می‌گیرند و به بیابانهای ترکمنستان

دستگاههای اندازه‌گیری که به شکل برجکهای متحرک است بر روی تأسیسات رود نصب شود، اما طرف شوروی با وجود اینکه ظاهراً با این درخواست موافقت کرد، در نهایت اداره مرزبانی اجازه بازدید از تأسیسات و نصب دستگاههای مربوط را نداد (رک. اتحاد جماهیر شوروی، از سری انتشارات بررسی مسائل کشورها، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شماره ۱۲، ۱۳۷۱، ص ۸۳۰).

19. Pour la traduction anglaise de ce Traite, Cf. The Middle East Journal, vol. XIII. 1959, PP. 193 et suiv.

*. نام دقیق این توافقنامه عبارت است از: «قرارداد مابین ایران و اتحاد جماهیر شوروی راجع به استفاده از رودخانه و آبهای سرحدی واقعه در امتداد سرحد، از رودخانه هریرود تا بحر خزر».

نظام حقوقی منابع آب... ❖ ۵۷

میریزند. ۲۰ نام این شش آبراه بدین قرار است: کلات چای، آرچینیان (ارچنگان)، مهنه، چاندر، چهچه و لائین سو. به همین منوال، آب چهار آبراه کوچک به نامهای بناوا، سوته، کنگیر و قورتو که از کوههای زاگرس در ایران سرچشمه میگیرند و به سوی دجله رهسپار میشوند، براساس موافقتنامه ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ [دی ماه ۱۳۵۴] بغداد بین ایران و عراق به صورت مساوی تقسیم شده است.^{۲۱}

ب. تقسیم کمی:

به طور کلی، این شیوه برای تقسیم آبراههای متوالی مورد استفاده قرار گرفته، ولی استثنائاً در مورد دو رود مرزی نیز از همین شیوه پیروی شده است: تجن (هریرود) که به طول بیش از ۱۰۰ کیلومتر ترکمنستان را از ایران جدا میکند، و هیرمند که ۱۷ کیلومتر از آن مرز ایران و افغانستان است. - تجن: مطابق ماده ۱ کنوانسیون

20. Convention entre la perse et PU R. S. S. relative a l'utilisation commune des eaux et fleuves limitrophes. pour un resume de cette Convention. Cf. "Problemes jurnhques poses par l'exploitation el l'utilisation des fleuves internationaux", op. cit., p. 194.

21. Recueil des Traités des Nations Unies, vol. 1017. p. 255.

عشق آباد، آب تجن به ده قسمت مساوي تقسیم شده که سه قسمت از آن ایران و بقیه از آن اتحاد جماهیر شوروي [سابق] است.** به طور قطع، اینگونه تقسیم نشانه بارزي از سیاست توسعه ارضي بوده که پیش از این اتحاد شوروي اعمال می کرده است.

– هیرمند: هیرمند طولانی ترین رود افغانستان است که از کوههای مرتفع نزدیک کابل سرچشمه می گیرد و به سوی دشتهای پهن اور سیستان جاری می گردد. شاخه هایی از شعبه شرقی آن موسوم به رود پریان که در کوهک، ایران را از افغانستان جدا می کند، پیش از آنکه به سرانجام خود برسد و به بیابانهای دو

****.** دولتهای ایران و شوروي پس از امضای موافقتنامه راجع به استفاده مساوي مشترک از قسمتهای مرزي رودخانه های ارس و اترک برای آبیاری و تولید نیروي برق به تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۳۶، متممی را نیز در اسفند همان سال درباره رود تجن به امضا رساندند. مطابق ماده اول این متمم: «از آنجا که با رژیم فعلی رودخانه هیررود (تجن) در فصل آبیاری احتیاجات طرفین تأمین نمی شود و از آنجا که مقدار معتنابهی از آب رودخانه در مواقع طغیان و سیل به هدر می رود، طرفین بر طبق قرارداد اول اسفند ۱۳۰۴ (۲۰ فوریه ۱۹۲۶) موافقت نمودند آبی را که به هدر می رود به وسیله ساختمان سد مخزنی مشترک روی قطعه مرزي رودخانه مورد استفاده قرار دهند و آن را بین خود به دو قسمت مساوي تقسیم نمایند (مجموعه معاهدات دو جانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۳۴).

نظام حقوقي منابع آب... ❖ ۵۹

کشور فرو بریزد، دوباره به قلمرو
افغانستان باز می‌گردد.*

پس از آنکه انگلستان معاهده ۱۸۳۷
[۱۲۱۶] پاریس را به ایران تحمیل کرد و
این دولت ناگزیر از استقلال افغانستان
شد، مسأله تقسیم آب هیرمند، روابط دو
دولت را تیره کرد و براساس ماده ۶
معاهده، ایران دوبار ناچار به قبول
داوری انگلستان در این قضیه شد.^{۲۲}

با رأی مورخ ۱۹ اوت ۱۸۷۲ {۲۸ مرداد
۱۲۵۱} سر فردریک گلداسمید (Sir. F. Goldsmid)
مرز دو دولت به نحو روشن‌تری تعیین شد،
هرچند که به علامتگذاری نینجامید. داور
در زمانی چنان مغتنم، نظر داد که دو
سوی هیرمند در بالادست کوهک متعلق به
افغانستان باشد و بستر اصلی هیرمند در
پایین دست کوهک به عنوان مرز شرقی
سیستان ایران تعیین شود. در عین حال،

*. مسیر آب هیرمند پس از به هم پیوستن «ارغنداب» و
«کجکی» در محل «قلعه بست» تا «بند کمال‌خان» به سمت
جنوب غربی است ولی از آنجا راه شمال را در پیش می‌گیرد
و در «کوهک» مرز ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد.
در همان جا این رود به دو شاخه تقسیم می‌شود: «سیستان
رود» که به ایران می‌آید و «پریان» که مرز دو همسایه
را می‌پیماید.

22. F. Riazi "L'administration internationale et l'organisation des bassins uviaux en Asie". these
3 cycle, Universite de paris. 1972, p. 247.

داور یاد شده افغانستان را از ایجاد تاسیساتی که سبب کاهش آب مورد نیاز اراضی ایران شود، ممنوع کرد. در ۱۸۹۶ [۱۲۷۵]، در پی ریزش بارانهای سیل‌آسا، بستر هیرمند تغییر یافت. در نتیجه، تاسیسات و آبراهه‌های آبیاری در چندین جای آن بدون استفاده و متروک شد و افغانستان دست به ایجاد شبکه‌های جدید آبیاری زد. این اقدام با اعتراض ایران روبرو شد که مستند به ممنوعیت افغانستان در رأی داورى گلداسمید بود. با احالة دوباره موضوع به داورى، سرهنگ ای. اچ. مک‌ماهون (A. H. Mac Mahon)* در رأی مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۰۵ {۲۱ فروردین ۱۲۸۴}، با ملاحظه اوضاع و احوال جغرافیایی و خصوصیات آبرسانی این آبراه، افغانستان را مجاز به ایجاد تاسیسات جدید دانست. اما این جواز محدود به آن شده بود که یک سوم آبدهی** آبراه به ایران اختصاص یابد. این مقدار

* مفاد حکمیت کلنل مک‌ماهون در جلد دوم کتاب جغرافیای مفصل ایران نوشته دکتر ربیع بدیعی صفحات ۳۳ به بعد آمده است.

** آبدهی یا دبی (debit) مقدار آبی است که در یک ثانیه از مقطع مشخص عبور نماید (مرتضی سرمد: حقوق آب، ج ۲، ص ۱۷۶).

که در بند کمال‌خان اندازه‌گیری می‌شد، حدود ۵۴ متر مکعب در ثانیه بود.^{۲۳} ایران با این استدلال که تقسیم آب به داوری ارجاع نشده و موضوع خارج از صلاحیت داور بوده است، رأی را مردود دانست و از آن پس تا سالیانی مدید، اختلاف بین دو دولت ادامه یافت.^{***} با خشکسالی بی‌سابقه در ۱۹۷۴ (۱۳۲۶) کار بالا گرفت تا آنکه با مساعی جمیلة ایالات متحده، سه سال بعد هیأت فنی بیطرفی مرکب از سه کارشناس منتخب طرفین

۲۳. برای مطالعه متن آراء داوری در قضیه دلتای هیرمند رک.:

Annuaire de la C. D. I., 1974, vol. II, 2 Partie, PP. 201 et Suiv.

***. در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۱۷ موافقتنامه‌ای برای تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان در کابل به امضاء رسید. مطابق ماده اول این موافقتنامه دولتین ایران و افغانستان موافقت نمودند که همه ساله هر مقدار آب رودخانه هیرمند که به بند کمال‌خان می‌رسد، بعد از این بند بالمناصفه تقسیم شود. در اعلامیه مشترک پیوست به موافقتنامه نیز دولت ایران اعلام کرده که یگانه منظور از این موافقتنامه زراعت و آبیاری سیستان است و وسیله و بهانه‌ای برای مداخله در افغانستان نیست. افغانستان نیز متقابلاً اعلام داشته است که مقصودی در تضییق و فشار و نرسیدن آب به سیستان ندارد و به این منظور اقداماتی را که موجب نکث آب سهمی ایران و ضرر رساندن به زراعت سیستان شود اجازه نخواهد داد (استاد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، واحد نشر اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۴۴).

تشکیل شد.^{۲۴} هیأت در ۲۸ فوریه ۱۹۵۱ [۲] اسفند ۱۳۲۹] گزارش خود دال بر پیشنهاد ۲۲ متر مکعب آب در هر ثانیه برای ایران را ارائه کرد.^{۲۵} این مقدار بسیار کمتر از آن چیزی بود که مکماهون در رأی خود تعیین کرده و مخالفت ایران را برانگیخته بود.

سرانجام، در ۱۳ مارس ۱۹۷۳ {اسفند ۱۳۵۱} معاهده تقسیم آب هیرمند، براساس توصیه‌های همان هیأت، در کابل به امضاء رسید.^{۲۶} مطابق ماده ۲ معاهده که اشاراتی صریح به گزارش هیأت مزبور دارد، افغانستان متعهد به تحویل ۲۲ متر مکعب آب در ثانیه به‌طور متوسط در سال نرمال آب* است. همچنین افغانستان برای

24. "Terms of Reference of The Helmand River Delta Commission and Interpretation Statement Relative thereto, Agreed by Confrerees of Afghanistan and Iran on September 7, 1950- Texte in Serie Legislative des Nations Unies, op. cit., p. 270.

25. Serie Legislative, op. cit., Traite N 82.

26 . "The Iranian – Afghan Helmand (Hirmand) River Water Treaty"

اسناد تصویب این معاهده در ۵ ژوئن ۱۹۷۷ در تهران مبادله شده است. متن این معاهده تاکنون در دبیرخانه ملل متحد به ثبت نرسیده است. * منظور از یک سال نرمال آب، مطابق بند ج ماده اول معاهده ایران و افغانستان راجع به آب هیرمند، عبارت است از سالی است که مجموع جریان آب از اول اکتبر (۹ مهر) تا پایان سپتامبر (۸ مهر) سال بعد در موضع دستگاه آب‌شناسی دهرآود بر رود هیرمند بالاتر از مدخل بندکجکی ۷۱۵، ۶۶۱، ۵ میلیون متر مکعب اندازه‌گیری و محاسبه شده باشد.

اثبات حسن نیت و تحکیم روابط برادرانه با ایران، خود را ملزم کرد که ۴ متر مکعب دیگر علاوه بر مقدار مذکور به ایران بدهد. طرفین که از نوسانات شدید آبدهی و سطح آب آگاه بودند، به بیان جزئیات شیوه تقسیم آب نیز پرداخته‌اند. طبق جدول ماده ۳ معاهده، حجم آب قابل تحویل به ایران در همه ماه‌ها یکسان نیست. این مقدار در ماه‌های بهمن و اسفند (فوریه) به حداکثر ۶۶/۱۲ مترمکعب در هر ثانیه می‌رسد و در شهریورماه حداقل ۱/۹۸ است که زمان کمترین مقدار آبدهی است و این چیزی جز تضمین حداقل میزان اختصاصی نیست. در مواقع «خشکسالی‌های مدهش و یا بروز حالات مجبره» (فورس ماژور) که به‌طور موقت تحویل آب ناممکن باشد، طرفین باید بی‌درنگ به مذاکره بپردازند و طرحی اضطراری تهیه کنند.*

*. هیرمند که از دیرباز نامی آشنا برای ایرانیان بوده است، از ارتفاعات بابا در غرب کابل سرچشمه می‌گیرد و پهنای آن در نقاط مختلف بین ۲۰۰ تا ۹۰۰ متر و در قسمت علیا بسیار پرآب است. از رود هیرمند رشته‌های متعددی جدا می‌شود و شاخه‌های متعددی به آن می‌پیوندد (عبدالحسین سعیدیان: دائره المعارف سرزمین و مردم ایران، ص ۹۶۵). لغت نامه دهخدا از هیرمند به عنوان

ج: تقسیم سرزمینی:

در اینجا بهتر است بین دو مورد قائل به تفکیک شویم: مورد اول جایی است که کشور بالادست استفاده انحصاری از آبراه می‌کند و دیگری هنگامی که تأمین نیازهای کشور مزبور در اولویت قرار می‌گیرد، که اغلب نیز اینچنین است.

درونگر و کلتِه - چنار، که از ایران به سوی ترکمنستان جریان دارند، از قسم نخست به حساب می‌آیند. طبق مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون عشق آباد همه آب آن دو متعلق به ایران است. ماده ۳ معاهده تقسیم آب سند که در ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۰ بین هند و

رودی عظیم در سیستان نام می‌برد که «هزار نهر در آن داخل شود و هزار نهر از آن خارج گردد» (ج ۵۱، ص ۳۵۸). به همین دلیل دلتای هیرمند را زمانی مصر ایران می‌گفتند. آب حیات بخش هیرمند در گذشته دریاچه آب شیرین بزرگی به وسعت ۴۰۰۰ کیلومتر به نام هامون پدید می‌آورد که مایه شکوفایی کشاورزی و دامپروری بود. ولی دخالت‌های روزافزون در بخش بالای این رود عظیم کار را به جایی رسانده که گاهی حتی نیاز ساکنان دلتا را به آب آشامیدنی تأمین نمی‌کند و تنها در سال‌های پرباران استثنایی است که مازاد آب هیرمند به دریاچه هامون می‌رسد (محمد حسن گنجی: «آب»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷). بر اثر همین خشکسالی‌های متوالی، کف دریاچه هامون بکلی خشک شده است (ربیع بدیعی: جغرافیای مفصل ایران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۸۱).

نظام حقوقی منابع آب... ❖ ۶۵

پاکستان در کراچی به امضاء رسیده، نمونه دیگری از همین نوع است.^{۲۷} بر آن اساس، بهره‌گیری از جریان‌های غربی سند خاص پاکستان و استفاده از آب شاخه‌هایی که از شرق به سند می‌پیوندند، در اختیار هند قرار گرفته است. از آنجا که این معاهده ذکری از مقدار آب تقسیمی نکرده و به بیان برخی ترتیبات مساعد به حال طرف دیگر حذف بسنده کرده است،^{۲۸} چنین گفته می‌شود که این آبراه‌ها براساس سرزمین تقسیم شده‌اند.^{۲۹}

مواردی که بدون محرومیت کشور پایین دست، کشور بالادست در اولویت قرار می‌گیرد، به نسبت قسم نخست فراوان‌تر است. براساس صورتجلسه هیأت تحدید حدود ایران و عثمانی در سال ۱۹۱۴ [۱۲۹۳] ۳۰ مازاد آبهای الوند، گنجان جم، دویرج و میمه که سرشاخه‌های این سوی دجله هستند و کشور بالادست {ایران} از آنها استفاده

27. Recueil des Traités des Nations Unies, Vol. 419, P. 317.

28. G. Fisher "La Banque internationale pour la reconstruction et le développement et l'utilisation des eaux de l'Indus". A. F. D. I. vol. 1960, p. 673.

29. M. Wolfrom "L'utilisation a des fins autres que la navigation des eaux des fleuves, lacs et canaux internationaux", Pedone 1964, p. 106.

30. Les procès-verbaux de cette Commission n'ont Pas été Publiés. Sur cette question, Cf. Journal Officiel de la Société des Nations, XVI, N 2, février 1935, P. 207.

نمی‌کند، به سمت پایین دست و روستاهای سرزمین عثمانی سرازیر می‌شود. بند ب ماده ۲ «موافقتنامه ایران و عراق راجع به استفاده از رودخانه‌های مرزی» هم این ترتیب را تأیید کرده است. ماده ۱۳ کنوانسیون عشق‌آباد وضع مشابهی برای آب رود فیروزه برقرار ساخته است و بر این اساس هرگاه حواجی اهالی روستاهای ایرانی در علیای رود برآورده شده باشد، روستاهای ترکمنستان در پایین دست حق استفاده از آن را خواهند داشت.

مورد یرموک نیز قابل ذکر است که مهمترین جریان آب در اردن است و به طول پانزده کیلومتر مرز اردن و سوریه را تشکیل می‌دهد. آب یرموک مطابق ماده ۸ موافقتنامه دو دولت در ژوئن ۱۹۵۳ [خرداد ۱۳۳۲] براساس اصول جغرافیایی کاملاً مشخص تقسیم شده است. سوریه حق استفاده از آبهای حوضه واقع در سرزمین خود را، آنگاه که سد المکارن به اتمام برسد، محفوظ داشته است. همچنین سوریه حق دارد از رود و شاخه‌های پایین دست سد

31. Recueil des Traites des Nations Unies, vol. 184, p. 25.

Recueil des Traites des Nations Unies, vol. 184, p. 25.

برای اراضی واقع در حوضه فرودست رود و اراضی غرب دریاچه طبریه استفاده کشاورزی بعمل آورد. اردن نیز در جای خویش حق بهره‌گیری از آبهای ذخیره مشترک و مرکزی المکارن در سرزمین خود را که مازاد بر نیاز سوریه باشد، خواهد داشت. در این خصوص سوریه و اردن متعهد شده‌اند از سهم آب خود، که به ترتیب مذکور از یرموک دارند، به طرف ثالثی ندهند. آشکار است که منظور از این تعهد، محروم ساختن کشور پایین دست یعنی اسرائیل از بخش اعظم آب یرموک است.^{۳۲}

۲. چگونگی نظارت بر تقسیم

به‌طورکلی، هرگاه طرفین شیوه تقسیم آب را مشخص می‌کند، نظارت بر تحویل و توزیع آن را به دست هیأت‌های مشترکی از کارشناسان می‌سپارند. در همان حال، برای پرهیز از بروز هرگونه اختلاف، در برخی موارد ضروری است که ایستگاه‌هایی هم برای اندازه‌گیری آب ایجاد شود.

32. Abraham M. Hirsén – Utilization of International Rivers in the Middle East. American Journal of International Law. Vol. 50, 1956, pp. 95-96.

الف. هیأت‌های مشترک:

ارکان مأمور به نظارت بر جریان آب و تقسیم آن، شکل و ساختار یکنواختی ندارند. در مواردی که معاهدات دوجانبه روش تقسیم را مشخص کرده‌اند، مشکل خاصی وجود نداشته است و طرفین به‌سادگی با این مسأله کنار آمده‌اند. کنوانسیون عشق‌آباد که چهارده آبراه مرزی یا متوالی را دربرمی‌گیرد، نمونه‌ای از انتخاب روشی نه‌چندان پیچیده است. این کنوانسیون اندازه‌گیری آب را در تمام موارد به‌طور مشترک و بنا به تقاضای یکی از طرفین، به‌عهد کارشناسان آنها گذارده است. در اجرای کنوانسیون کارس نیز هیأت مشترک فقط سالی دوبار تشکیل می‌شود تا آبدهی جریانها را مشخص کند. در عین حال، در صورت کاهش سطح آب، هریک از طرفین می‌توانند جلسه‌ای فوق‌العاده برای بررسی موضوع تقاضا کند و طرف دیگر موظف است تا پانزده روز پس از این درخواست، کارشناس خود را برای بررسی لازم گسیل دارد. در صورت غیبت یک طرف، طرف دیگر می‌تواند با در نظر داشتن

اوضاع و احوال موجود، میزان آبدهی را به‌طور یکجانبه تعیین کند. همچنین هیأت مزبور می‌تواند به‌طور مستقیم وظایف مرتبط با مسأله توزیع آب را هم برعهده بگیرد، بدین معنا که بر ایجاد آبراههایی برای امور کشاورزی و تجهیزات تلمبه‌زنی در کناره‌ها نظارت نماید.

در مقابل، چنانچه منافع مهمی در میان باشد، معاهدات دوجانبه تأسیس نهادهایی دائمی را در نظر می‌گیرند که اختیارات زیادی دارند و کارشناسان برجسته در آن انجام وظیفه کنند. «کمیتة مشترک کمیسرها» که در اجرای معاهده ۱۹۷۳ [۱۳۵۱] برای تقسیم آب هیرمند تشکیل شده، نمونه بارزی از این‌گونه موارد است. ماده ۷ پروتکل شماره یک منضم به این معاهده^{۳۳} اختیارات دو کمیسر منتخب طرفین را مشخص می‌کند. آنان مأمور اجرای مقررات معاهده راجع به تقسیم آب هستند و باید به اشتراک آب را اندازه بگیرند و در نقاط پیش بینی شده به ایران تحویل دهند. این نقاط یکی در موضعی است که خط سرحد رود [سیستان] را

33. "Protocol Relating to the Authority and Duties of the Commissioners.

قطع می‌کند و دیگری در موضع واقع بین میله‌های مرزی ۵۱ و ۵۲ واقع شده که قرار بوده در خلال مدت سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده، کمیسرهای طرفین آن را تعیین کنند (ماده ۳ معاهده) اما تاکنون اقدامی در این‌باره صورت نگرفته است. در زمان خشکسالی، کمیسر افغان موظف است اطلاعاتی را که کمیسر ایرانی راجع به میزان آب طلب می‌کند به آگاهی او برساند. همچنین کمیسر ایرانی اختیار خاصی برای بازرسی دارد و می‌تواند شخصاً به واریسی و اندازه‌گیری آبدهی در ایستگاه اندازه‌گیری دهرآود در خاک افغانستان بپردازد (ماده ۵ پروتکل). بدین‌ترتیب، هرگونه سوءتفاهم درباره میزان آب موجود که در گذشته منشأ اختلافات متعددی بوده است، برطرف می‌شود. بعلاوه، برای مقابله و حل مشکلاتی از این دست، ماده ۱۰ پروتکل، تشکیل «کمیته وزیران» مرکب از نمایندگان دو طرف و تحت ریاست وزیران دو دولت را مقرر کرده است که امور بهره‌برداری آب در حیطه صلاحیت آنها قرار دارد. این مرجع بلند پایه به درخواست هر یک از دو طرف تشکیل

جلسه می‌دهد و صلاحیت حل و فصل هرگونه اختلاف ناشی از اجرای معاهده را دارد و تصمیماتش برای «کمیته مشترک» لازم‌الاتباع است.* بر اثر جنگ داخلی افغانستان اجرای معاهده و پروتکل آن به تأخیر افتاده است.*

*. معاهده ایران و افغانستان راجع به آب هیرمند پروتکل دیگری نیز درباره حکمیت و حل اختلافات دارد که جزء لایتجزای آن خوانده شده است. مطابق ماده دوم پروتکل، در صورت بروز اختلاف در تعبیر یا تطبیق مواد معاهده، چنانچه موضوع از طریق مذاکرات دیپلماتیک یا مساعی جمیله طرف ثالث حل نگردد، هر یک از طرفین که ارجاع اختلاف را به حکمیت لازم ببیند می‌تواند درخواست تشکیل هیأت حکمیت را به اطلاع طرف دیگر برساند. چنانچه با مذاکرات طرفین این هیأت بوجود آید و دو دولت به توصیه‌های آن عمل کنند، موضوع حل شده قلمداد می‌شود ولی، در غیر این صورت، اختلاف به دیوان حکمیتی مرکب از دو حکم از اتباع دو دولت و یک رئیس دیوان به انتخاب دو حکم، و در صورت عدم توافق آن دو به انتخاب دبیرکل سازمان ملل متحد، تشکیل خواهد شد. طبق بند د ماده پنجم پروتکل رأی دیوان قطعی و لازم‌الاجراء است.

*. گفتنی است از سال ۱۳۵۲ به بعد اختلاف عقیده شدیدی درباره آب هیرمند بروز نکرده است و سابقه‌ای دال بر کوشش هر یک از طرفین نسبت به تغییر وضع موجود ملاحظه نمی‌شود (غلامرضا فخاری: اختلاف دولتین ایران و افغانستان در مورد رود هیرمند، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۱، صص ۷۶ به بعد). لذا چنین به نظر می‌رسد که اکنون پس از پایان دوره کودتاهای مکرر، جنگ و پیروزی مبارزان افغانی، زمان برای مطالبه حقابه ایران فرا رسیده است.

شایان ذکر است که به دنبال سیل ویرانگر سال ۱۳۶۹، زمینه مناسبی برای همکاری ایران و افغانستان بوجود آمد و پس از آنکه دولت ایران به کمک سیلزدگان افغانی شتافت، هیأتی از افغانستان به ایران آمد و مذاکراتی

نمونه قابل ذکر دیگر از دسته دوم، «کمسیون فنی مشترک دائمی» است که بنابر موافقتنامه سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) ایران و عراق راجع به استفاده از رودخانه‌های مرزی» از کارشناسان دو دولت به تعداد مساوی تشکیل می‌شود و از جمله وظایف آن تشخیص مقدار نیاز نواحی اطراف رودهای الوند، گنجان چم، زاب (میمه) و دویرج در خاک ایران و تعیین سهم هر یک از طرفین از آب آنهاست (مواد ۳ و ۴). جنگ ایران و عراق تشکیل این کمیسیون را که پیش از آن نیز پای به عرصه وجود نگذاده بود، به تعویق انداخته است.

ب. ایستگاه‌های اندازه‌گیری:

به‌طورکلی، فراهم کردن مقدمات استقرار تجهیزات اندازه‌گیری برعهده

درباره استفاده مطلوب از آب هیرمند انجام شد که اقدام جدی در پی نداشت. اما واقعیتی که نباید از نظر دور داشت این است که هرگاه جنگ داخلی افغانستان پایان گیرد و افغانها «سلاحها را بر زمین گذارند و بیلها را به دست گیرند، مسلماً اوضاع به گونه ای دیگر خواهد بود» (محمد اسماعیل نوریان: بحران و جنگ و صلح خاورمیانه، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۸۳). لذا پیشگیری از محرومیت ایران از حقابه خود و اقدامات احتمالی افغانستان در جهتی مغایر با منافع ایران و اتخاذ تدابیر لازم در این خصوص، ضرورتی اساسی دارد.

نظام حقوقی منابع آب... ❖ ۷۳

هیأت‌های مشترک گذارده شده است. در کنوانسیون کارس، هیأت مزبور مأمور انتخاب محل و نوع تأسیسات شده است. ماده ۱ کنوانسیون عشق‌آباد هم به کارشناسان طرفین مأموریت داده است تا به نصب تأسیسات دائمی اندازه‌گیری سطح آب تجن اقدام کنند. توافق یاد شده ایران و عراق نیز کمیسیون فنی دائمی مشترک را موظف کرده است تا مطالعاتی در اطراف ایجاد تأسیسات لازم توسط طرفین انجام دهد و کارآیی آنها را پس از نصب تأمین کند. اما در مورد هیرمند، برخلاف روش معمول، این امر به کارشناسان واگذار نشده است، بلکه اهمیت تقسیم آب چنان بوده که (مطابق ماده ۳ معاهده) تأسیس ایستگاه‌های اندازه‌گیری برعهده هر دو دولت نهاده شده است.

دوم. احداث و بهره‌برداری از سد

به دلیل تغییر متناوب فصلها، آبراه‌های خاورمیانه بیش از دیگر نقاط با تغییرات ناگهانی و گسترده روبرو هستند. لذا برای تنظیم و غلبه بر جریانهای عظیم، مهار آبها و احداث سد ضرورتی تام

دارد. اقوام هیتی، ایرانیان و ترکها در روزگار خود، دانش بستن سد را به نیکویی می‌دانستند و سدهایی به غایت استوار ساخته‌اند، چنانکه برخی سدهایی که بیش از هزار سال پیش در ناحیه وان ترکیه ساخته شده‌اند، همچنان سرپا هستند و اکنون نیز از آنها استفاده می‌شود.^{۳۴*} در دوره جدید هم دولت‌ها با بکارگیری ترتیبات قراردادی متعدد در امر احداث سد و بهره‌برداری از آن به همکاری پرداخته و در سالهای اخیر نیز به همکاری برای تولید نیروی برق از رودها روی آورده‌اند.

۱. سدسازی برای تنظیم و ساماندهی آبهای

روان

در معاهدات دوجانبه، مقرراتی در خصوص احداث سد و منظم کردن آبهای جاری به خشم می‌خورد. هدف از این مقررات، حاکمتر استفاده از آب و نیز مهار و مبارزه با تأثیرات زیانبار آن است.

*. سد امیر نیز از جمله سدهای مهم دوران اسلامی در ایران است که در زمان عضالدوله دیلمی بر روی رود کر در فارس ساخته شد و طول آن ۱۰۶ متر است. این سد از همان زمان تا دوران ما مورد بهره‌برداری بوده است.

34. John F. Kolars et William A. Mitchell "The Euphrates Rivers and The Southeast Ana tolia Deuelopmont project", Southern Illinois University Press, 1991, PP.2-9.

الف. بستن سد برای ذخیره سازی آب:

در منطقه‌ای کوهستانی همچون خاورمیانه، زمانی که زراعت بیشترین نیاز را به آب دارد همان زمانی است که آب رودها رو به کاهش می‌نهد. برای نظم بخشیدن به جریان آب و استمرار حداقل آبدهی که نیازهای کشاورزان را برآورده سازد، ذخیره‌سازی آب حاصل از طغیانهای بهاری بهترین راه چاره است. از این رو، دولت‌ها در انتخاب محل مناسب برای سدسازی و روشهای استفاده مطلوب از آبهای ذخیره شده ناگزیر از همکاری با یکدیگرند.

ماده ۳ کنوانسیون عشق آباد نشان دهنده آن است که طرفین به خوبی از مزایای احداث سدی بر روی تجن آگاه بوده‌اند. احداث این سد در محلی نرسیده به پل خاتون، سبب جمع‌شدن آبهای مازاد در پشت آن می‌شود. ساخت این سد موکول به حصول توافق خاص گردیده که تاکنون اسباب آن فراهم نشده است. در کنوانسیون کارس نیز پیش‌بینی شده است (ماده ۵) که هرگاه بالا آوردن سطح آب ضروری باشد، هر طرف می‌تواند سدهایی بدین‌منظور بنا کند

مشروط بر اینکه امکان عبور آزاد مقدار آب لازم را فراهم سازد.

ب. استقرار تأسیسات برای جلوگیری از آثار زیانبار طغیان رود:

میزان خسارتهای طغیان آب اغلب بیش از خسارتهایی است که بر اثر کمبود آب به کشاورزان وارد می‌آید. برای مقابله با زیانهای مصیبتبار سیلابها، جمع‌آوری اطلاعات و اعمال مدیریت مناسب امری ضروری است.

- ایستگاههای اندازه‌گیری و مطالعاتی:

وظیفه این دستگاهها، که ترجیحاً در خاک کشور بالادست استقرار می‌یابند، جمع‌آوری اطلاعات علمی و مطالعات اقلیم‌شناسی است. این اطلاعات باید بی‌درنگ به مقامات کشور پایین دست داده شود تا آنها بتوانند اقدامات پیشگیرانه را برای کاستن از زیانهای احتمالی سیل به‌عمل آورند. هنگامی که سیلی خروشان و بنیان‌کن در راه است، این همکاری بسیار سودمند خواهد بود.

دجله از جمله رودهایی است که

نظام حقوقی منابع آب... ❖ ۷۷

طغیانهایی چنین دهشتناک دارد و حجم آب گاه تا هشتاد برابر کمترین میزان آبدهی آن می‌رسد.^{۳۵} برای جلوگیری از وقوع فاجعه و محدود کردن طغیان رود که تاریخ بین‌النهرین بارها از آن نشان دارد، ترکیه خود را متعهد به همکاری با کشور پایین دست یعنی عراق دانسته است. در این زمینه، «پروتکل مربوط به تنظیم رودهای دجله و فرات و شاخه‌های آنها» که به «عهدنامه مودت و حسن همجواری عراق و ترکیه» منضم است، در تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۴۶ در آنکارا به امضای طرفین رسیده است.^{۳۶} مقدمه این پروتکل استقرار ایستگاههای مطالعاتی دائمی در خاک ترکیه را ضروری دانسته است. در این خصوص کارشناسان عراقی خود باید به بررسیها و مساحی مقدماتی برای انجام طرحها و انتخاب محل ایستگاهها همت کنند. البته ترکیه نیز به منظور حفظ حقوق حاکمه خود، حق ترسیم نقشه‌ها و پیشبرد استقرار این تأسیسات و

35. John F. KOLARS – Hydro – geographic Background to the Utilization of International Rivers in the Middle East", in Proceedings of the 80th Annual Meeting of the American Society of International Law, Washington, April 9-12, 1986, p. 255.

36. Recueil des Traités des Nations Unies, vol. 37, p. 280.

راه اندازی و فعالیت آنها را برای خویش محفوظ داشته است. مخارج کلیه این امور با عراق است ولی هزینه فعالیت ایستگاهها به طور مساوی به عهده هر دو طرف قرار دارد (مواد ۱ و ۳). در زمان بالا آمدن آب، روزانه مطالعات لازم انجام می‌گیرد و میزان آب با تلگرام به اطلاع مقامات عراقی رسانده می‌شود. اما در غیر این مواقع، نتیجه بررسیها دوبار در ماه و آن هم با آگهی نامه (بولتن) به عراق ارسال می‌شود. هزینه مخابرات و مکاتبات نیز به عهده دولت عراق است (ماده ۳).

ماده ۷ معاهده کراچی- که قبلاً ذکر آن رفت- چنین امکانی را در حوضه رود سند پیش‌بینی کرده است. بر این اساس، طرفین متعهد شده‌اند در صورت تقاضای طرف دیگر و به خرج آن، ایستگاههای هواشناسی و آبشناسی را در خاک خود دایر کنند. با این حال، طرفین تنها مرجع ذی صلاح برای تشخیص امکان استقرار چنین تأسیساتی هستند.^{۳۷}

- ایجاد استحکامات برای تثبیت سواحل:

37. G. Fischer, op. cit., p. 274.

برای آنکه از عواقب زیانبار تغییرات یکباره کاسته شود و بتوان به شکل مؤثری بر مشکلات ناشی از آن غلبه کرد، استقرار تجهیزات هشداردهنده کافی به نظر نمی‌رسد. برپایه اطلاعات به دست آمده، بخصوص مداومت، حجم و دوره‌های مختلف طغیانها باید اقداماتی برای استحکام بخشیدن به کناره‌های رودخانه و جلوگیری از تغییر بستر آنها انجام بگیرد. در بسیاری از ترتیبات قراردادی چنین اقداماتی پیش‌بینی شده است.

مطابق ماده ۶ کنوانسیون کارس هر یک از طرفین می‌تواند برای جلوگیری از فرسایش و انهدام کناره‌های رود، سنگ چین و دیواره‌هایی بنا کند، البته مشروط بر آنکه طرف دیگر را به موقع مطلع کند و در مقابل آسیبها و خطرات چنین استحکاماتی به طرف دیگر یاری رساند.

با ملاحظه اهمیت منافع و تأثیرات سوء احتمالی حاصل از اینگونه اقدامات، به یقین شایسته‌تر آن است که در این زمینه دولت‌ها هماهنگ با یکدیگر وارد عمل شوند. معاهده اتحاد جماهیر شوروی [سابق] و افغانستان مورخ ۱۸ ژانویه

۱۹۵۸ به چنین همکاری نظر داشته است.^{۳۸} طبق ماده ۹ معاهده، مقامهای دو دولت متعهد اقدامات لازم برای رفع موانع جریان آب را که ممکن است به جابجایی بستر آبراهها منجر شود، به اشتراک انجام می‌دهند. همچنین در صورت صلاحدید مسؤلان، کرانه‌های آبراهها باید با بنای استحکامات تثبیت گردد.

در ماده ۷ معاهده آب هیرمند نیز پیش‌بینی شده است هر نوع ابنیه فنی مشترک که احداث آن به‌منظور استحکام بستر رود در مواضعی که خط سرحد در بستر رود واقع گردیده لازم دیده شود، بعد از موافقت طرفین بر شرایط و مشخصات آن احداث می‌گردد.* در بعضی آبراهها وضع

38. "Traite entre le Gouvernement de l'U. R. S. S. et la Gouvernement royal afghan relatif a la frontiere sovieto-afghane", Recueil des Traités des Nations Unies, vol. 321, P. 167.

*. در مورد آبراههای مرزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ هیجدهم مرداد ۱۳۶۲ قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است. براساس ماده ۱ این قانون، وزارت نیرو با همکاری دیگر دستگاههای ذی ربط با رعایت مفاد معاهدات و موافقتنامه‌ها و پروتکل‌های مرزی ایران و دول همجوار، نسبت به انجام امور فنی و اجرایی اقدام می‌نماید. مطابق ماده ۴ این قانون، وزارت کشاورزی حفظ و ایجاد پوشش نباتی و غرس اشجار برای تحکیم و تثبیت کناره‌ها و اجرای طرحهای حفاظت خاک و آبخیزداری را در حوضه رودخانه‌های مرزی به عهده خواهد داشت (مجموعه

به‌گونه‌ای است که لایروبی نامناسب یا ناکافی و یا پری و بالا آمدن بستر رود، علت اصلی جاری شدن سیل خواهد بود. به نظر می‌رسد حوضه رود سند از این قبیل موارد باشد، زیرا مطابق ماده ۴ معاهده کراچی، پاکستان متعهد به حفظ آمادگی و توانایی خود در زهکشی آبراهه‌ها و، در صورت درخواست هند و به خرج آن، تعریض یا عمیق‌تر کردن آبگذرهاست. معاهده ۱۹۵۸ مسکو نیز ماده ۱۲ خود را به این مهم اختصاص داده است، هرچند که روده‌های مرزی افغانستان طبیعتاً با رودی چون سند متفاوتند. بر آن اساس، با توافق مشترک در محل‌های مورد نظر طرفین، عملیات لازم انجام خواهد شد. همچنین طرفین ملتزم شده‌اند تا فاصله‌ای از کناره که خطر پر شدن و بالا آمدن یا مسدود شدن مسیر آب وجود دارد، از ریختن زباله و مواد زاید به آبراه خودداری کنند و با پاکسازی بستر آن، هرگونه مانع جریان صحیح آب را در زمان طغیان و پرآبی از میان

قوانین اولین دوره مجلس شورای اسلامی، انتشارات روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ص ۴۹۳.

بردارند.*

۲. تولید برق از نیروی آب

به‌رغم آنکه صدها رود در منطقه خاورمیانه روان است و دره‌های ژرف و اختلاف سطح، موقعیت بسیار مناسبی برای احداث نیروگاه‌های آبی پدید آورده، تعداد این‌گونه تأسیسات بسیار اندک است. هم اکنون فقط دو عملیات بزرگ برای بهره‌برداری از آبراه‌های مرزی و تولید نیروی برق انجام‌یافته است: یکی در یرموک که سوریه و اردن به آن مشغولند، و دیگری عملیات ایران و شوروی {سابق} در رود ارس.

*. اتحاد جماهیر شوروی {سابق}، مقررات مشابهی نیز در این زمینه با دولت ایران و آبراه‌های مرزی دو کشور دارد. مطابق مواد نهم و دهم قرارداد ۱۳۳۶ ایران و شوروی راجع به انتظامات مرزی، برای حفظ کرانه‌ها از خرابی و جلوگیری از تغییر مسیر، در صورتی که مصادر امور طرفین متفقاً ضروری بدانند، رودخانه‌های سرحدی کناره‌بندی خواهد شد. چنانچه مسیر رود مرزی به طور طبیعی تغییر یابد در صورت لزوم متفقاً به اصلاح مسیر اقدام می‌شود. بعلاوه، در صورت ضرورت، آب‌های مرزی به خرج متساوی طرفین لایروبی خواهد شد (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹، انتشارات وزارت امور خارجه، ج ۱، ص ۱۲۲).

نظام حقوقی منابع آب... ❖ ۸۳

الف. تولید نیروی برق از یرموک:

یرموک از دامنه غربی جبل دروز سرچشمه می‌گیرد و پیش از آنکه به اردن برسد، در ده کیلومتری جنوب دریاچه طبریه، حدود ۱۵ کیلومتر از مرز سوریه و اردن را تشکیل می‌دهد و پس از آن به‌طور پیوسته تا حدود ۳۰ کیلومتر اردن را از فلسطین اشغالی (اسرائیل) جدا می‌کند. آبدهی یرموک تا ۵۰۰ میلیون متر مکعب در سال تخمین زده می‌شود و در عمل تنها منبع آب برای اردن به‌شمار می‌آید.^{۳۹} پس از تشکیل دولت اسرائیل و روی آوردن پناهندگان فلسطینی به اردن، این دولت به فکر تهیه برنامه‌ای گسترده برای استفاده از منابع آب مزبور افتاد. با کمکهای مالی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی در چارچوب «UNRWA» (دایره کمکهای ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک) و کمکهای ایالات متحده (مشهور به اصل چهار مارشال)^{۴۰} راه انعقاد توافقنامه دمشق بین سوریه و اردن در ۴ ژوئن ۱۹۵۳ هموار شد. در این

39. Joseph W. Dellapenna "Water in the Jordan Valley : The potential and Limits of Law" the palestine Yearbook of International Law, vol. V, 1989, P. 20.

40. J. V. Louis "Les eaux du Jourdain", A. F. D. I., vol. XI, 1965, pp. 831-832.

توافق، طرفین احداث سد به ارتفاع ۷۰ تا ۱۰۰ متر و طول ۱۱۵۰ متر را در المکاران پیش بینی کرده اند. از این سد، با گنجایش ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب، برای تولید نیروی برق و آبیاری اراضی استفاده خواهد شد. هزینه تحقیقات و مطالعات اولیه و بکارگیری متخصصان برای اجرای طرحها با اردن است. سوریه نیز عبور آزاد مجریان طرح را در خاک خود تضمین کرده است و خدمات مخابراتی مورد نیاز آنان را تا اتمام کار فراهم می‌آورد (مواد ۳ و ۹). هفتاد و پنج درصد نیروی تولید شده به سوریه تعلق خواهد داشت و در عوض بخش اعظم ذخیره آب در اختیار اردن خواهد بود. این کشور پرداخت دستمزد کارکنان را تا میزان هشتاد درصد و هزینه‌های مربوط به عملیات ساخت و نصب و تجهیزات را تا میزان نود و پنج درصد تقبل کرده است.^{۴۱} ماده ۱۰ توافقنامه، تشکیل هیأت مشترکی از کارشناسان عالی‌رتبه را مقرر کرده و مأموریت اولیه آن را نظارت بر پیشرفت کار احداث سد قرار داده است. ولی

41. Abraham M. Hirsch, op. cit., p. 96.

تنگدستی و دشمنی‌های آشکار اسرائیل که با حمله سال ۱۹۶۷ ساختمان نیمه‌کاره آن را نابود ساخت، دو مانع بزرگ بر سر راه اجرای این طرح بوده و تاکنون به سرانجام نرسیده است.^{۴۲}

در این میان، اردن همچنان بر احداث سدالمکارن پای می‌فشارد^{۴۳} و اسرائیل نیز که پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ مناطق بیشتری از کرانه‌های سمت راست یرموک را به اشغال خود درآورده است، به اجرای این طرح علاقه نشان می‌دهد. این دولت خواهان آن است که احداث سد در چارچوب همکاری منطقه‌ای انجام شود تا بدین‌ترتیب جمعیت ساکن در غرب اردن نیز از ثمرات آن بی‌بهره نمانند. در واقع، اسرائیل با استناد به حقوق بین‌الملل عرفی، سهمی منصفانه از یرموک را طلب می‌کند.^{۴۴}

ب. تولید نیروی برق از ارس:

42. Jeffrey D. Dillman "Water Rights in the Occupied Territories", Journal of Palestine Studies, vol. XIX, N 1, Autumn 1989, PP. 51-52.

43. Joseph W. Dellapenna, op. cit., p. 27.

44. Lettre datee du 16 juillet 1982 du Representant d'Israel aux Nations Unies au Secretaire General, A/37/347 du 19 Juillet 1982, p. 10.

پس از تصمیم به استفاده مشترک از رودهای مرزی ارس و اترک برای تأمین منابع آبیاری و تولید نیرو در ۱۱ اوت ۱۹۵۷ {۲۰ مرداد ۱۳۳۶}، موافقتنامه استفاده از رودخانه‌های مرزی در تهران به امضای نمایندگان ایران و اتحاد شوروی رسید. طبق این موافقتنامه که در مقدمه به اصل برابری حقوق طرفین در استفاده از منابع آب و نیرو تصریح می‌کند، دو طرف عهده‌دار تهیه طرح مقدماتی و مطالعات لازم در این‌باره شده‌اند. براساس مواد ۲ و ۳، سه گروه از کارشناسان منتخب طرفین موظف به تهیه گزارش توجیهی و انجام مطالعات زمین‌شناسی و تشریح و ترسیم آبهای جاری و تهیه نقشه‌های لازم شده‌اند. این گروه‌ها باید هر سه ماه یک بار گزارش کار خود را تسلیم مقامهای دی صلاح کنند.

مطالعات اولیه برای احداث تأسیسات مشترک را شوروی برعهده گرفته است و ایران نیز با اعزام ده کارشناس به خرج خود، در این مطالعات مشارکت می‌جوید (ماده ۵). از آنجا که حوضه رود ارس امکان بیشتری برای تأمین منابع آبیاری

و پیشرفت اقتصادی داشت، اولویت اجرای طرح‌های مورد نظر به این حوضه داده شد. با امضای موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی در ژوئیه ۱۹۶۳ {مرداد ۱۳۴۲}، طرفین به‌طور رسمی با اجرای برنامه بهره‌برداری از ارس توافق کردند.^{۴۵} این برنامه مشتمل بود بر احداث یک سد مخزنی در منطقه نخجوان و یک سد انحرافی در میل و مغان برای آبیاری دشتهای همجوار. گنجایش سد نخست با ارتفاع ۳۵-۴۰ متر، تا ۸۰۰ میلیون مترمکعب خواهد بود که ۴۰-۶۰ هزار کیلووات برق در ساعت تولید می‌کند، و از سد دوم با ارتفاع ۱۰ متر باید آب ۶۵ هزار هکتار اراضی زراعی تأمین شود.^{۴۶} به‌موجب این موافقتنامه، هزینه‌های عملیات به‌طور مساوی با طرفین است که بدین‌منظور شوروی ۳۵ میلیون روبل به ایران اعتبار می‌دهد تا تجهیزات و اجناس مورد نیاز را بخرد. مطابق ماده ۲ شرکتهای شوروی عملیات را با مشارکت

۴۵. این موافقتنامه در دبیرخانه ملل متحد به ثبت رسیده است. همچنین تاکنون ترجمه رسمی به زبان فرانسه یا انگلیسی از این موافقتنامه، که نسخه فارسی و روسی آن از اعتبار مساوی برخوردارند، منتشر نشده است.

46. Cf. commentaire de l'Accord irano-sovietique du 11 aout 1957 par Abraham M. Hirseh, in the Middle East Journal, vol. XIII, 1959, p. 193.

شرکتهای ایرانی پیش می‌برند و عملیات طی ۶ تا ۷ سال به پایان خواهد رسید. برای آنکه بهره‌برداری به‌نحو احسن انجام شود، دو موافقتنامه مذکور توجه خاصی به ملاحظات فنی نموده و موانع سیاسی را که باعث وقفه در انجام موفقیت‌آمیز عملیات می‌شود، از میان برداشته‌اند. در هر دو مورد، طرفین به کارکنان حق عبور آزاد از سرزمین خود را می‌دهند و تمام امکانات را برای حسن اجرای وظایف ایشان فراهم می‌آورند (ماده ۴ موافقتنامه ۱۹۵۷ [۱۳۳۶] و ماده ۵ موافقتنامه ۱۹۶۳ [۱۳۴۲]). در ۷ ژوئیه ۱۹۷۱ [تیر ۱۳۵۰] مقررات و شرایط عبور و اقامت کارکنان مجری طرح و جابجایی اثاثیه و اموال به‌طور مشروح تدوین شد و بدین‌ترتیب طرفین به قدر وسع کوشیدند موضوع را بدور از مرزبندی‌های سیاسی به پیش ببرند. این موافقتنامه همانند کنوانسیون ژنو مورخ ۹ دسامبر ۱۹۲۳ راجع به «بهره‌برداری از نیروی آب بین دولتهای ذی‌نفع»^{۴۷} نشان‌دهنده تقابل دو اصل به ظاهر متضاد است: اصل حاکمیت

47. Recueil des Traités de la Société des Nations, vol. VII, P. 36.

دولت بر سرزمین خود، مقتضیات فنی و بهره‌برداری مطلوب از نیروی آب برای تولید برق.^{۴۸}

در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۷۳ { ۱۱} آذر ۱۳۵۲} پروتکل شرایط، مقررات و نحوه اداره و بهره‌برداری از تأسیسات موجود در رود ارس بین نمایندگان طرفین در تهران به امضاء رسید.^{۴۹} براساس ماده ۱ این پروتکل، تمام تأسیسات و تجهیزات در حکم اموال مشترک طرفین بوده و غیرقابل تقسیم و تفکیک است. هیأت مشترک نیز مأمور تأمین هماهنگی لازم و حل مشکلات ناشی از بهره‌برداری و اداره تأسیسات می‌باشد (ماده ۷). تسهیلات رفت و آمد و اقامت کارکنان نیز فراهم شده است (ماده ۸).

موفقیت این اقدام مشترک موجب شد ایران و شوروی دست به کار عملیات دیگری در پایین دست آبراه شوند. در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۷۷ { ۱۹ مهر ۱۳۵۶} توافق بین طرفین حاصل شد تا تأسیسات تولید برق

48. C. A. Colliard "Evolution et aspects actuels du regime juridique des fleuves internationaux", Recueil des Cours de l'Academie du Droit International!1968. III, vol. 125, p. 403.

۴۹. همانند موافقتنامه سال ۱۳۴۲ (۲۲ ژوئیه ۱۹۶۶)، این توافق نیز در دبیرخانه ملل متحد ثبت نشده است.

آبی از سد خداآفرین و سد قزقلعه سی
احداث گردد. مذاکرات برای پیشبرد سریع
امور در حال انجام است.*

*. پس از گذشت چند سال از آن تاریخ، پروتکل نهایی همکاریهای اقتصادی بین جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی (سابق) در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۵۹ به امضاء رسید و در ۱۳ تیر همان سال ماده واحده آن از تصویب شورای انقلاب گذشت. در اجلاسیه مربوط، طرف شوروی جریان تهیه طرح فنی احداث مجموعه تأسیسات آبی خداآفرین را به اطلاع طرف ایرانی رساند و قرار بر ادامه مذاکرات کارشناسان طرفین شد. بعلاوه، طرف شوروی اطلاع داد که گزارش توجیهی اقتصادی و فنی مربوط به احداث مخزن آب در رودخانه هریرود (تجن) در ناحیه پل خاتون را تهیه کرده است و گزارش استفاده از منابع آب رود اترک که با کمک سازمان ایرانی ذی ربط تهیه شده بود و همچنین ساختمان سد انحرافی رود هریرود در ناحیه دولت آباد در همان اجلاس به طرف ایرانی تسلیم شد. در این اجلاس، نماینده ایران برای ایجاد آبراهه انحرافی جداگانه در رود اترک با ظرفیت عبور ۲۰ مترمکعب آب در ثانیه اعلام آمادگی کرد و موضوع استفاده مشترک از رودهای مرزی در دستور اجلاس بعدی قرار گرفت (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹، صص ۳۵۹ به بعد). در نهایت، پس از چند سال مذاکره در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۶۷ (دسامبر ۱۹۸۸) موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی (سابق) راجع به همکاری در احداث و بهره برداری تأسیسات آبی خداآفرین و قیزقلعه سی رودخانه مرزی ارس در مسکو به امضاء رسید. این موافقتنامه در خرداد ۱۳۶۸ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. در مقدمه آن به حق مساوی طرفین نسبت به کلیه منابع آب و انرژی قسمت‌های سرحدی ارس اشاره شده و براساس ماده ۱، تأسیسات در مالکیت مشترک ایران و شوروی بوده و به نسبت مساوی متعلق به طرفین است. اگرچه مراسم آغاز عملیات تأسیسات آبی خداآفرین چند سال پیش برگزار شد ولی جز امور مقدماتی و برخی کارهای مطالعاتی و تجهیز کارگاهها، پیشرفت قابل ملاحظه ای در امر احداث آن حاصل نشده است. درگیر بودن دولت

نظام حقوقی منابع آب... ❖ ۹۱

آذربایجان، که در عمل جانشین اتحاد شوروی در بهره برداری از رود ارس شده است، در مخاصمه با همسایه خود یکی از علل اصلی تأخیر در اجرای عملیات به نظر می‌رسد. در خصوص ایجاد تأسیساتی در پل خاتون بر روی هریرود نیز مذاکراتی با دولت ترکمنستان در حال انجام است که توافقی حاصل آمده، هر چند که فعالیت جدی آغاز نشده است.

آبراههای مورد کشمکش و قواعد حقوق بین‌الملل

با اضمحلال امپراتوری عثمانی و قطعه قطعه شدن سرزمینهایی که تحت حکومت واحدی بودند، حوضه‌های رودهای اردن و فرات هر یک در حاکمیت چند دولت قرار می‌گرفتند. بسیار بدیهی است که در این منطقه خشک و کم آب، هر کس می‌خواهد آب بیشتری فراچنگ آورد. وسوسه استفاده انحصاری برای پیشبرد اقتصاد ملی و نبود زمینه مناسب سیاسی و اعتقادی برای همکاری، خواه ناخواه به سود کشورهای بالادست تمام می‌شود که با اقدامات یکجانبه خود به بهره‌برداری از بخشهای واقع در سرزمین خود می‌پردازند. بالطبع این فعالیتها که عموماً منافع کشورهای پایین دست را نادیده می‌انگارند، منجر به بروز درگیریها و برخوردهایی بین دولتهای حوضه یک آبراه* می‌گردد. اگر چه

* با توجه به تعریفی که کمیسیون حقوق بین‌الملل از آبراه (Water Course) کرده است، می‌توان آن را مجموعی از آبهای سطحی و زیرزمینی دانست که به دلیل ارتباط طبیعی بین آنها یک حوضه واحد را تشکیل می‌دهند و به سوی مقصدی مشترک راه می‌سپزند. بنابراین، حوضه یک آبراه، به تمامی حوضه ای تفکیک ناپذیر و کلی است که قرار

همه رودها خصوصیات یکسانی ندارند، ولی باید با استفاده از قواعد عمومی حقوق بین‌الملل راجع به رودخانه‌ها در زمینه استفاده‌های غیرکشتریانی، به حل این منازعات همت گماشت. انجام این مهم برعهده حقوقدانان است.

اول. بهره‌برداری از آبهای مورد اختلاف

به‌رغم طرح‌های متعدد برای بهره‌برداری یکسان از حوضه رود اردن، که مهمترین آن طرح جانستون بوده و ایالات متحده آن را ارائه کرده است،^{۵۰} در بهره‌برداری از منابع آب این آبراه، همواره بین دولتهای عرب و اسرائیل کشمکش بوده است. در مورد فرات نیز از سال ۱۹۶۲ به بعد، دولتهای ترکیه، سوریه و عراق بر سر تقسیم آن اختلاف داشته‌اند.

گرفتن آن در سرزمین چند دولت تأثیری بر مشخصات طبیعی و واحد بودن آن ندارد.

Cf. Report of the international law commission on the work of its forty-fifth session (1993) General Assembly (A/48/10), P. 224.

به عنوان مثال، حوضه آبریز رود کارون مناطقی از استانهای چهارمحال و کهگیلویه و خوزستان را در برمی‌گیرد ولی چون پایاب همه آنها کارون و در نهایت خلیج فارس است به عنوان حوضه آبریز کارون شناخته می‌شود.

50. Pour la liste des 16 Plans d'aménagement elaborés entre 1939 et 1964, Cf. "Water Resources of the Occupied Palestine Territory", A/AC. 183, Nations Unies, New-York, 1992, p. 17.

از سال ۱۹۸۴ که ترکیه به منظور استفاده منطقی از فرات با بلندیروازی به فکر توسعه آناتولی جنوب شرقی افتاد، چالشهای جدی بین دولتهای حوضه این رود درگرفته است.

۱. بهره‌برداری از رود اردن

رود اردن از پیوستن چهار سیلاب تشکیل شده است که از کوهستانهای لبنان سرازیر میشوند و ۳۶۰ کیلومتر طول دارد. این رود در پایین دست، حدود چند کیلومتر به فلسطین اشغالی (اسرائیل) داخل میشود و از دریاچه‌های طبریه و حلوه می‌گذرد و با خروج از دریاچه طبریه به یرموک می‌پیوندد و آنگاه اردن و اسرائیل را از هم جدا می‌کند، سپس به اردن وارد می‌شود و سرانجام به بحرالامیت می‌ریزد. پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل که کرانه باختری رود اردن به اشغال اسرائیل درآمد، این آبراه خط نشانه بین سرزمینهای اشغالی و اردن شد. آبدی این آبراه همچون شاخه‌های آن اندک است و همین، علت تشدید اختلافات و حتی منازعه برای دراختیارگرفتن آب رود

اردن شده است.

پس از پایان نخستین جنگ جهانی، سوریه و لبنان به قیمومت فرانسه، و فلسطین به قیمومت انگلستان درآمدند. این دو قدرت مجموعه توافقهایی را به امضاء رساندند تا مسائل مرزی و نظام بهره‌برداری از رود اردن را سامان بخشند. نخستین بار، موافقتنامه ای در ۲۳ دسامبر ۱۹۲۰ در پاریس امضاء شد و انگلستان و فرانسه توافق کردند راههای استفاده مشترک از رود اردن را بررسی کنند. منظور اصلی دو طرف، استفاده‌های آبیاری و تولید نیرو از قسمت علیای رود اردن و یرموک بود که منوط به تأمین نیازهای سرزمینهای تحت اداره فرانسه گشته بود. در ۷ مارس ۱۹۲۳ طرفین ضمن مبادله‌نامه راجع به ترسیم مرز میان سوریه و فلسطین، در امور شیلات و کشتیرانی دریاچه‌های حلوه و طبریه و آن قسمت از رود اردن که بین دو دریاچه واقع شده است، حقوقی برابر با ساکنان فلسطین را برای ساکنان لبنان و سوریه به رسمیت شناختند.^{۵۱} توافق سوم در ۲

51. Recueil des Traites de la Societe des Nations, vol. XXII, p. 354 et 364.

فوریه ۱۹۲۶ در شهر اورشلیم حاصل آمد و طرفین بر حقوق مکتسب ساکنان لبنان و سوریه، شامل اهالی مناطق دور از کناره رود، برای استفاده از آب مطابق اسناد و سابقه و عرف محلی هم سخن شدند.^{۵۲}

با پایان قیومت انگلستان بر فلسطین، اسرائیل با طرح و دفاعی همه جانبه از قاعده «دولت بی‌مسئولیت»^{۵۳} جهدی تمام بکاربرد تا به عنوان دولت جانشین به حساب نیاید. در نبود زمینه‌ای مساعد برای همکاری دولتهای کناره رود، اسرائیل آسوده از هر تعهدی دست به کار انحراف جریان آب و بهره‌گیری از آن به نفع خود شد. تخلیه آب دریاچه طبریه با تلمبه‌زنی، اصلی‌ترین اقدام اسرائیل بود که دولتهای عرب به جد در مقابل آن واکنش نشان دادند، هر چند که موفقیت

52. Recueil des Traités de la Société des Nations, vol. LVI, p. 80.

53. J. C. Fernandez Rozas – La succession d'Etats en matière de conventions fluviales", in La régime juridique des fleuves et des lacs internationaux, R. Zacklin et L. Caflisch (Ed.) Martinus Nijhoff Publishers, 1981, P. 158.

{قاعده «Table rase» یا «Clean slate State»، برگرفته از عبارت لاتین «Tabula rasa»، به معنای دولت بی‌مسئولیت است. این نظریه، که طرفداران آن بیشتر دولتهای نو استقلال از بند استعمار رسته بوده‌اند، بنا بر منافع ملی مطرح می‌شود و انگیزه اصلی از طرح آن میرا کردن دولت جدید از تعهدات و مسئولیتهای دولت پیشین است.}

چندانی به دست نیاوردند.

الف. تلمبه زنی اسرائیل در دریاچه طبریه:
اریک جانستون (Eric Johnston)، فرستاده
آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا در آغاز
دهه پنجاه میلادی، طرحی را ارائه کرده
بود که با اجرای آن دریاچه طبریه تبدیل
به مخزن آبی وسیع برای آبیاری سراسر
منطقه می‌شد. بر اساس این طرح، حق اردن
از این آب ۵۶ درصد و سهم اسرائیل ۳۷
درصد بود و ۷ درصد باقیمانده به سوریه
تعلق می‌گرفت. اعراب با شروطی چند این
طرح را در سال ۱۹۵۵ پذیرفتند ولی
اسرائیل از قبول آن سرباز زد. اسرائیل
که از موقعیت جغرافیایی مساعدی
برخوردار است، در اجرای «طرح آبرسانی»،
آب دریاچه را با تلمبه به بیابانهای
ناحیه نقب هدایت می‌کند. مرحله اول این
عملیات در سال ۱۹۶۴^{۵۴} و مرحله دوم در
سال ۱۹۷۰ به پایان رسید و اسرائیل
توانست ظرفیت تلمبه زنی را به ۱۱ تا ۱۶
مترمکعب آب در ثانیه برساند.^{۵۵} هم

54. Jeffrey D. Dillman "Water Rights in the Occupied Territory", Journal of Palestine Studies, vol. XIX N 1, Autumn 1989, Issue 73, PP. 51-52.

55. Water Resources of the Occupied Territory, op. cit., p. 14.

اکنون اسرائیل سالیانه حدود ۴۴۰ میلیون مترمکعب آب از دریاچه طبریه برداشت می‌کند* و با کمک ایستگاه تلمبه زنی طبقه در بئرالشعبه مرکز ناحیه نقب، توانسته است آب را به بیابانهایی برساند که پیش از این خشک و بی محصول بود. با حاصلخیز شدن اراضی این ناحیه، جمع کثیری از مهاجران {یهودی} به آنجا کوچ کرده و سکنی گزیده‌اند.

ب. طرحهای دولتهای عربی برای تغییر جهت

رود اردن:

هر چند اسرائیل به طور مستقیم از رود اردن آب بر نمی‌دارد ولی تلمبه زنی در دریاچه به کاهش حجم آب قابل استفاده در خروجی دریاچه می‌انجامد و دولتهای عرب نیز به همین خاطر در برابر آن واکنش نشان داده‌اند. در ۲۹ فوریه ۱۹۶۰

*. جان بلوک و عادل درویش در کتاب جنگهای آب، درگیریهای آینده در خاورمیانه نوشته‌اند که این روزها، رود اردن چیزی بیش از یک جویبار نیست، که در تابستان آن جویبار نیز کمابیش خشک می‌شود. این رود بزرگ افسانه ای قربانی برداشت مصرف بیرحمانه آب در خاورمیانه شده است. برداشت آن مقدار آب از دریاچه یکی از دلایل سقوط آب در بخشهای پایین رود اردن است (رک. «تقسیم آب: راهی به سوی صلح»، مجله آب و توسعه، فصلنامه امور آب وزارت نیرو، س دوم، ش ۱، بهار ۷۳، صص ۱۰۵-۱۰۶).

اتحادیه عرب با تصویب قطعنامه ای این عمل اسرائیل را «اقدامی تجاوزکارانه» دانست و با استناد به نظریه دفاع مشروع جمعی در این خصوص، تشکیل یک گروه ویژه را اعلام کرد که مأموریت آن هماهنگی و اجرای طرحهای بهره برداری از رود اردن در جهت منافع اعراب است. اجلاس سران دولتهای عرب در سال ۱۹۶۴، مجموعی از طرحهای تهیه شده را از تصویب گذراند. سوای طرح بهره برداری از یرموک که ذکر آن رفت، باید به طرح تغییر مسیر آبهای حصبانی به سمت لیتانی در لبنان و حفر دو آبراهه در سوریه اشاره کرد.^{۵۶} با سه بار حمله نظامی اسرائیل به عملیات مقدماتی این طرحها در سوریه در سال ۱۹۶۵، اجرای آن متوقف شد^{۵۷} و از آنجا که ادامه کار بدون حمایت و دفاع نظامی ناممکن بود و چنین دفاعی نیز در توان اعراب نبود، در شهریور همان سال سران عرب تصمیم به توقف عملیات به طور موقت گرفتند.^{۵۸} چنین به نظر می‌رسد که تاکنون فقط اردن توانسته است طرح

56. J. V. Louis, op. cit., p. 843.

57. Dossier Les temps Modernes, N 253 bis, 1967, p. 879.

58. J. V. Louis, op. cit., p. 845.

آبیاری حدود ۲۳ هزار هکتار از اراضی کرانه شرقی رود اردن را از طریق آبراهه القور (موسوم به کانال ملک عبدالله) به انجام رساند.^{۵۹}

۲. بهره برداری از فرات

فرات که از فلاتهای مرتفع ترکیه سرچشمه می‌گیرد و از مناطقی نیمه بیابانی در سوریه و عراق می‌گذرد اهمیت زیادی در آبیاری مناطق اطراف مسیر خود دارد. این آبراه بیش از ۲۷۰۰ کیلومتر درازا دارد و همچون دیگر آبراههای خاورمیانه بین ماههای آذر و فروردین پرآب است و آبدهی آن گاه تا ۵۰۰ متر مکعب در ثانیه می‌رسد، اما در ماههای شهریور، مهر و آبان پایین می‌رود و آبدهی آن تا میزان ۱۵۰ مترمکعب در ثانیه کاهش می‌یابد. بنابراین، بهره‌برداری از این رود و تنظیم آبدهی آن برای بیشترین استفاده ممکن، ضرورتی حیاتی است.^{۶۰} از آنجا که کشورهای حوضه

59. "Une Prouesse technique, l'aménagement de la vallee du Jourdain", La Monde du 2 mars 1984.

60. "Le Partage des eaux de l'Euphrate", Maghreb-Machrek, N 69, juillet-aout-septembre 1975. La Documentation française, P. 61.

فرات، اقدامی جمعی برای بهره برداری از آن بعمل نیاورده‌اند، هر یک به‌طور جداگانه مبادرت به احداث سد کرده‌اند. در پایین دست، دولت عراق در رمادی ال‌هندیه سد احداث کرده که به دلیل موقعیت جغرافیایی عراق، هیچ مشکلی به بار نیامده است. ولی اقدامات مشابه سوریه و ترکیه با اعتراض‌های جدی دولت‌های پایین دست روبرو گشته است.

الف. بهره برداری سوریه:

برای کشوری نیمه بیابانی چون سوریه، استفاده از آب فرات و توسعه بخش کشاورزی جنبه حیاتی دارد. سوریه در ۴ مه ۱۹۶۶، با امضای پروتکلی، احداث سد را در طبقه (موسوم به الثوره) در نزدیکی مرز ترکیه به اتحاد شوروی سپرد. روسها نیز بی‌درنگ دست به کار شدند و عملیات سدسازی را در ۱۹۷۳ به پایان رساندند. با احداث این سد، آبیاری ۶۵۰ هزار هکتار از زمینهای خشک و بی‌حاصل میسر می‌گشت و ۶۰ درصد از برق مورد نیاز سوریه تولید می‌شد.^{۶۱}

61. John F. Kolars et William A. Mitchell, op. cit., p. 3.

برای آبیگری این سد و اقدام مشابه ترکیه در آبیگری سد کبان، بیش از یک میلیارد متر مکعب آب تا مارس ۱۹۷۵ مورد نیاز بود. این دو عملیات در بالادست که به کاهش محسوس آب فرات می‌انجامید، خشم عراق را برانگیخت. در ۲۱ آوریل ۱۹۷۱ شورای اتحادیه عرب به درخواست عراق تشکیل جلسه داد و هیأت کارشناسی را مأمور بررسی موضوع کرد. این هیأت فنی در ۲۹ آوریل ۱۹۷۵ از سوریه خواست تا آبهای ذخیره شده را برای تأمین نیازهای عراق رها کند. ولی سوریه به نشانه اعتراض از این هیأت خارج شد و از پذیرش نظر آن سرباز زد.^{۶۲}

ب. بهره برداری ترکیه:

برنامه گسترده ترکیه برای بهره‌برداری از فرات که به نام اختصاری «گاپ» (Guneydogu Anadolu Projesi) (جنوب شرقی آناتولی) موسوم است، در پایین دست سد کبان متمرکز شده و از سال ۱۹۷۴ آغاز گشته است.

این برنامه شامل ارزیابی منابع

62. "La partage des eaux de l'Euphrate", op. cit., p. 63.

آبرسانی به ناحیه‌ای با وسعت ۷۵ هزار کیلومترمربع در جنوب شرقی ترکیه است. تخمین زده شده است که هزینه‌های این طرح تا زمان بهره‌برداری در سال ۲۰۰۵ {۱۳۸۴} به ۲۰ میلیارد دلار برسد. اجرای این طرح ۱۲ درصد به درآمد ملی ترکیه خواهد افزود. در این طرح، احداث ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه پیش‌بینی شده است که بدین ترتیب ضمن آبیاری ۱/۷ میلیون هکتار زمین، سالیانه ۲۷ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید می‌شود و بخش اعظم نیازهای ترکیه به نیروی برق برطرف می‌گردد.

در این میان، سد عظیم آتاترک در نزدیکی اورفه، حکایتی بس متفاوت دارد. این سد با ۱۷۶ متر بلندی و ۱۹۱۴ متر درازا، دریاچه‌ای به مساحت ۸۱۷ کیلومترمربع را در پشت خود بوجود می‌آورد.^{۱۳} به‌منظور آنکه هنگام آبیگری این سد، از آسیب‌های احتمالی به سوره کاسته شود، ترکیه طبق پروتکلی متعهد شده است در طی این دوره به طور میانگین ۵۰۰ مترمکعب آب در ثانیه به سمت سوره

63. GAP Southern Anatolia Project, the General Directorate of Press and Information of the Turkish Republic, 1992.

روان کند. چنانچه در طول یک ماه ترکیه نتواند این مقدار آب را فراهم سازد، باید کمبود آن را در ماه بعدی جبران کند.^{۶۴} در ۶ دسامبر ۱۹۸۹ دولت ترکیه اعلام کرد برای آبیگری سد آتاترک، به مدت یک ماه راه بر آب فرات بسته خواهد شد.^{۶۵} این عملیات از ۱۳ ژانویه تا ۱۲ فوریه ۱۹۹۰ انجام شد و طی آن مقدار آب در بخش پایین بسیار کم شد. واکنش سوریه به این اقدام بسیار شدید بود، زیرا منطقه در معرض خشکی و کم آبی کم سابقه ای قرار گرفت.^{۶۶} در مقابل، ترکیه به مقررات پروتکل پیش گفته استناد می‌جست و معتقد بود که طی یک ماه عملیات، دستکم ۷۵۰ مترمکعب آب در ثانیه تحویل داده که در واقع به علت آب شدن برف، این مقدار تا ۱۰۰۰ مترمکعب هم رسیده است.^{۶۷}

به هر حال، اختلاف در این باره همچنان باقی است. در اجلاس کارشناسان دولتهای عضو اتحادیه عرب در ۲۲ دسامبر

64. Pour les dispositions relatives aux ressources en eau de ce Protocole, Cf. Middle East Contemporary Survey, vol. XI, 1987, P. 650.

65. Chronique des faits internationaux, R. G. D. I. P. Tome 94, 1990, P. 796.

66. Joyce R. Starr – Water Wars", Foreign Policy, N 82, Spring 1991, p. 30.

67. Le Monde des 14-15 janvier 1990.

۱۹۹۲ در قاهره، مسأله کمبود آب مورد بررسی قرار گرفت. در این اجلاس اسرائیل و ترکیه متهم به «دزدی آب اعراب» شدند و به همین جهت دبیر کل اتحادیه عرب تشکیل اجلاس سران دولتهای عرب را برای بررسی موضوع پیشنهاد کرد. در این مورد قرار شد شورای اتحادیه در اجلاس خود در مارس ۱۹۹۳ به بحث بنشینند.^{۶۸*}

دوم. حقوق و تعهدات کشور بالادست

معارضه دولتهای حوضه رودهای اردن و فرات در استفاده از منابع آب این دو حوضه، برآیند اختلافنظر بیش از حد آنها

۶۸. بنابر اطلاع حاصله از دفتر نمایندگی اتحادیه عرب در پاریس.

* پنجمین اجلاس کنفرانس آب در مسقط پایتخت عمان در بهار ۱۳۷۳ (آوریل ۱۹۹۴) برگزار شد. در این اجلاس که اسرائیل نیز با اعزام هیأتی ۲۳ نفره برای نخستین بار در آن شرکت کرد، اعلام شد که هرگونه همکاری در زمینه آب و کشاورزی بین اعراب و اسرائیل قبل از دستیابی به صلح مردود است (محمد اسماعیل نوریان: همان مأخذ، ص ۱۲۰) و این خود نشان دهنده آن است که زمینه‌های همکاری بین دشمنان قبلی و مذاکره کنندگان فعلی، در خصوص استفاده مشترک از منابع آب فراهم شده است. کنار گذارده شدن طرحهای بلندیرواز ترکیه موسوم به «پروژه صلح آب» از این اجلاس شاهد دیگری بر این مدعاست. این پروژه بخش برون مرزی طرحهای ترکیه را تشکیل می‌دهد که به موجب آن با کمک اعراب خط لوله آب از ترکیه به این مناطق کشیده می‌شود.

در باب حقوق و تعهداتشان است. این مسأله در بحثهای راجع به حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراههای بین‌المللی* نیز مطرح است. در این خصوص، مشکل اینجاست که هر آبراه ویژگی‌هایی دارد که مقتضی توجه خاص به مسائل آن است و به همین دلیل تاکنون پی‌ریزی نظام حقوقی بدون ابهام و دربردارنده قواعد عمومی و فراگیر میسر نگشته است. با این همه، از سال ۱۹۷۱ که این موضوع در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفته است، بررسی‌های بیشتری در این مورد انجام شده و مخران ویژه، گزارشهای متعددی را ارائه کرده‌اند و گفتگوی زیادی بر این اساس بعمل آمده است. همین امر یافتن راه‌حل را آسان‌تر می‌کند، زیرا بررسی مفاهیمی که کمیسیون به تبیین آن پرداخته بسیار مفید و راهگشا است. کمیسیون خود این مفاهیم را با استفاده از آراء قضایی و داوری، توافقی‌های متعدد دوجانبه و نتیجه تحقیقات مجامع علمی بخصوص انستیتوی حقوق بین‌الملل، فراهم آورده است. تلاش

* The law of the non-navigational uses of international water course.

کمیسیون در این باره سازگار نمودن حقوق حاکمه دولت در بهره‌گیری از آبهای سرزمین خود و تعهد به خودداری از اعمال این حاکمیت به ضرر دولت دیگر است. حاصل این تلفیق، قاعده «استفاده و مشارکت منصفانه و معقول»^{**} از آبراه است که در ماده ۱۵ طرح مصوب کمیسیون در سال ۱۹۹۱ مطرح گردیده است.^{۶۹} مطابق این قاعده که نشان دهنده عرفی کاملاً مقبول و جاافتاده است،^{۷۰} بهره‌برداری یک دولت از آبراه نباید به زیانی بیش از اندازه برای دولت دیگر بینجامد.^{۷۱} میزان و اهمیت زیانهای وارده، معیار اصلی برای تشخیص منصفانه بودن استفاده از آبراه است.

۱. اصل استفاده منصفانه از آبراه

****** . Equitable and reasonable utilization and participation.

69. Rapport de la C. D. I. sur les travaux de sa 43 session, 29 avril- 19 juillet 1991, Assemblée Generale, Supplem. N 10 (A/46/10) New-York 1991, PP. 167 et suiv.

70. Julio A. Barberis "Bilan de recherches de la section de langue française du Centre d'Etude et de Recherche de l'Academie, et Robert D. Hayton "the present State of Research Car-ried out by the English-Speaking Section of the Coentre for Studis and Research" sur les droits et obligations des pays riuersains des fleuves internationaux, 1990, Academie de droit international de la Haye, Martinus Nijhoff Publishers, 1991, pp. 38 et 67.

71. P. Buirette "Genese d'un droit fluvial international general" R. G. D. I. P., Tome 95/1991, p. 40.

چنین به نظر می‌رسد که نخستین بار دیوان داوری فرانسه و اسپانیا در رأی سال ۱۹۵۷ راجع به قضیه دریاچه لانو (Lanoux) به این قاعده استناد جست. در واقع، این رأی از مرحله رسیدگی به آن اختلاف فراتر رفت و به تبیین نظریه‌ای عام در مورد حقوق و تعهدات دولت‌ها در بهره‌گیری و مدیریت آبراهها پرداخت.^{۷۲} کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۸۴ به تدوین همین اصل همت گماشته است. اصل استفاده منصفانه از آبراه مبتنی است بر توازن بین حقوق حاکمه دولت بر آبهای سرزمین خود و منافع کشور پایین دست در بهره‌گیری از این آبها.

الف. حق حاکمیت دولت بر منابع آب خود:

حاکمیت سرزمینی دولت‌ها بر آبراههایی که از خاک آنها گذر می‌کند تسری دارد و به همین عنوان دولت‌ها بر منابع آب آبراهها اعمال حاکمیت می‌کنند. در عین حال، در این زمینه نمی‌توان اعمال آزادانه و نامحدود حاکمیت را هم

72. Ch. Rousseau "Cours de Droit International Public", Diplome d'Etudes Superieures, Les Cours de droit, Paris, 1966-67, P. 239.

پذیرفت،* زیرا قبول نظری چنین افراطی مستلزم آن است که برای کشور بالادست حقی انحصاری در بهره‌برداری از آبراه در حال‌گذر از سرزمین آن بشناسیم و شناسایی چنین حقی به زیان دولت پایین دست تمام خواهد شد. ایالات متحده آمریکا در اختلاف با مکزیک بر سر تقسیم آب ریوگراندا در سال ۱۸۹۵ به دفاع از همین نظر برخاسته بود. البته در ۱۹۰۶ هنگام انعقاد معاهده‌ای با مکزیک، هواداران آمریکایی این نظریه موسوم به دکترین هارمون

*. ژول بادوان، حقوقدان بزرگ، نزدیک به شصت سال پیش از این، «صرف نظر از آینده و استثنائاتی اندک...» مسؤولیت بین المللی را «بنابر عقیده غالب حقوقدانان» فقط ناشی از تخلف یا نقض قاعده‌ای از حقوق بین الملل می‌داند.

Cf J. Basdevant: "Regles Generales du droit de la Paix", R. C. A. D. I., 1936, vol. 58, P. 673.

در آن زمان قاعده‌تاً استفاده از سرزمین خودی، سبب ساز مسؤولیتی برای دولت‌ها نبود، ولی مشروعیت استفاده از سرزمین ملی کم کم به سوی محدودیت هر چه بیشتر پیش رفت. در حال حاضر حق حاکمیت دولت‌ها در فعالیت در قلمرو خود، منوط به خسارت ندیدن دیگر دولت‌ها از آن فعالیت است. ایجاد سدهایی بزرگ یا برگرداندن مسیر رودها از مواردی است که خطری قابل ملاحظه (Risque appreciable) در فرانسوی مرزهای یک دولت به بار می‌آورند و هر چند که نمی‌توان این اقدامات را بالذات غیرقانونی دانست، ولی تضاد با حقوق و منافع دولت‌های منتفع از جریان آب، آشکار است. کمیسیون حقوق بین الملل در تدوین طرحی تحت عنوان «مسؤولیت بین المللی ناشی از آثار زیانبار اعمالی که حقوق بین الملل آن را منع نکرده است» نظر به مسؤولیت دولت‌ها در جبران خسارت حاصل از انجام چنین فعالیت‌هایی دارد.

(Harmon)، از عقیده خویش دست کشیدند و از اصل محدودیت حاکمیت بر آبهای روان سرزمین خود تبعیت کردند. اما چنین به نظر می‌رسد که جایگاه اصلی برای توجیه و تشریح محدودیت حاکمیت را باید در حقوق همجواری بین‌المللی* و با توجه به ویژگی این منبع حیات‌آفرین باز جست. ۷۳ در واقع، آب را باید جدا از دیگر منابع طبیعی واقع در سرزمین یک دولت دانست؛ گویی حرکت آب نیز خود گریزی از حاکمیت مطلق دولتهاست.

البته اهمیت فزاینده آب، بخصوص در مناطق خشک و بیابانی، سبب شده است تا از دیدگاه دیگری نیز به آن نگریسته شود. از این نظرگاه، آب نیز همچون دیگر منابع طبیعی فرض می‌شود تا بتوان آن را در شمول اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی درآورد، ۷۴ و لیکن مبنای محدود بودن حاکمیت دولت بالادست بر منابع آب، هر چه باشد، به هیچ روی بدین معنا نیست

*. Le droit de voisinage international.

73. I. Pop "Voisinage et bon voisinage en droit international", Pedone, 1980, PP. 66 et suiv.

۷۴. نماینده ترکیه در کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد اظهار داشت که پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل «با واقعیات همخوانی ندارد و مغایر با حقوق حاکمه دولتها بر منابع طبیعی آنهاست».

که حق ارتفاق دولت پایین دست، حقی است برای جریان بی وقفه آب.^{۷۵} این مسأله در مورد آبراههای مجاور به شکلی متفاوت مطرح می‌شود. اینها جزء منافع مشترک طرفین به حساب می‌آید و نشان‌دهنده تقسیم یک منبع طبیعی بین کشورهای کناره آن است. در مورد آبراههای متوالی چنین می‌نماید که اصل استفاده منصفانه، همانا حد وسطی است بین حاکمیت نامحدود کشور بالادست بر آبهای خود و حق کشور پایین دست بردریافت همه آبی که به طور طبیعی جریان دارد.

ب. منافع کشور پایین دست در منابع آبراههای متوالی:

مدیریت و بهره‌برداری از آبراهها، یکی از مظاهر حق حاکمیت دولتها بر منابع آب آنهاست.* به طور کلی، این

75. I. Pop, op. cit., p. 56, note 38.

*. در برخی کشورها صنایع مربوط به بهره‌برداری از رودها، بنابر اهمیت موضوع، جزء بخش دولتی نظام اقتصادی آنها قرار گرفته است، از جمله جمهوری اسلامی ایران که مطابق اصل چهارم و چهارم قانون اساسی، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی را در حاکمیت عمومی و در اختیار دولت قرار داده است. بر اساس اصل چهارم و پنجم، رودخانه‌ها «در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید».

قاعده ای مقبول است که دولت کناره حق دارد برای بهره‌برداری بهتر از آب آن بخش از آبراه که از سرزمینش می‌گذرد اقدامات لازم را انجام دهد، بی‌آنکه قبلاً از کشور پایین دست اجازه بخواهد. این موضوع در اختلاف فرانسه و اسپانیا در قضیه دریاچه لانو مطرح شد. این دریاچه در دامنه‌های مدیترانه‌ای پیرنه و در خاک فرانسه واقع شده است، ولی آب آن از طریق رودخانه کارول به سوی اسپانیا روان می‌گردد. فرانسه می‌خواست بخشی از آب دریاچه را به سمت دره آتلانتیک منحرف سازد و از آن برای تولید برق استفاده کند. اسپانیا که گمان می‌برد کاهش آبدی رودخانه کارول برای آبیاری اراضی آن کشور مشکل می‌آفریند، مدعی شد که فرانسه قبل از شروع عملیات می‌بایست از دولت اسپانیا اجازه می‌گرفت. دیوان دآوری این ادعای اسپانیا را رد کرد. از نظر دیوان، تسلیم به این ادعا و اعتقاد به کسب توافق آن دولت به‌منزله شناسایی «حق وتویی بی‌قید و شرط» برای اسپانیا و مترادف روی‌گرداندن فرانسه از حاکمیت سرزمینی خویش بود، بلکه تنها وظیفه

فرانسه در این خصوص آگاه کردن همسایه خود از برنامه‌های مورد نظرش بوده است. در مقابل، طبق رأی دیوان، اسپانیا می‌توانست با همیاری فرانسه به ارزیابی منافع خود بپردازد و در اجرای طرح، نظراتی دهد و از آن به سود خود استفاده کند. وانگهی، برای آنکه اسپانیا به ستیزه برنخیزد فرانسه متعهد بوده است، قبل از رجوع به داوری، برابر نیازهای همسایه خود به آب برای کشاورزی، محدودیتها را برطرف و جریان آب را تعدیل کند، زیرا بدین‌ترتیب در فصل آبیاری همه آب در رود کارول روان خواهد گشت. فرانسه در همان حال پیشنهاد کرده بود که برای ذخیره سازی آب مورد نیاز اسپانیا سدی بنا کند تا هنگام خشکسالی بکار آید.^{۷۶}

از این رو، تریدی نیست که مقتضیات همجواری، آزادی عمل دولتها را محدود می‌کند؛ آزادی که دولتها برای بهره برداری از سرزمین خود عموماً دارا هستند. لذا هر دولت می‌تواند تأسیساتی

76. M. Belanger "L'utilisation des eaux des fleuves internationaux a des fins agricoles", R. G. D. I. P. Tome 77/ 1977, P. 418.

را روی آبراه بنا کند، مشروط بر اینکه منافع مشروع کشور پایین دست را از نظر دور ندارد.*

در نهایت، دیوان چنین نظر داد که فرانسه در این قضیه در تعهد دوگانه خود نسبت به آگاه ساختن دولت هم کرانه خویش و در نظر داشتن منافع آن در بهره‌برداری از دریاچه لانوکوتاه نکرده است. به دیگر سخن، چون اسپانیا نتوانسته است ورود ضرر و زیان قابل ملاحظه‌ای را بر اثر اقدامات فرانسه به منافع خود ثابت کند، نمی‌تواند مدعی تداوم جریان طبیعی آب دریاچه به‌سوی سرزمین خویش باشد.^{۷۷} بنابراین، استفاده از یک آبراه تا زمانی‌که موجب زیان قابل ملاحظه به دیگر کشورهای هم کرانه با آن نشود، معقول و منصفانه است.

*. در این قضیه، داور حقوق دو دولت را چنین در مقابل هم قرار داده است: «فرانسه می‌تواند حق خود را اعمال کند ولی نمی‌تواند منافع اسپانیا را نادیده بگیرد... اسپانیا می‌تواند رعایت حقوق و ملاحظه منافع خود را طلب کند».

Cf. C. Gaubet: "Le Droit international en quete d'une Responsabilite Pour les dommages resultant d'activites qu'il n'interdit Pas", A. F. D. I., 1983, P. 103.

77. A. Gervais "L'Affaire du lac Lanoux", A. F. D. I. vol. VI, 1960, PP. 429 et suiv.

۲. تعهد به جلوگیری از ورود زیان

قابل ملاحظه به کشور پایین دست

به طور کلی، دولت‌ها باید به گونه‌ای در محدوده صلاحیت خود فعالیت کنند که آسیبی به سرزمین دیگر دولت‌ها نزنند.*
انستیتوی حقوق بین‌الملل در اجلاس مادرید به سال ۱۹۱۱، محدودیتهایی چند برای حاکمیت دولت بالادست قائل شده که از آن جمله ممنوعیت بستن آب است، به گونه‌ای که هنگام ورود به سرزمین دولت پایین دست، آب به حدی پایین رفته باشد که خاصیت یک آبراه و قابلیت استفاده را از دست داده باشد.^{۷۸} از نظر حقوقی زیان نیز باید به درجه ای از اهمیت باشد که مخل منافع دولت‌های دیگر به حساب آید.

* این قاعده، از دیرباز مورد احترام نظام‌های بزرگ حقوقی بوده است و هم‌اکنون نیز در جامعه بین‌المللی مورد استناد قرار می‌گیرد. قواعد فقهی در این زمینه و قاعده حقوقی لاتین «Sic utere tuo ut alienum non leadas» مبین این اصل در حقوق داخلی یا بین‌المللی است که «از ملک خود چنان استفاده کن که به ملک دیگری صدمه نخورد».

۷۸. در همین معنا رجوع کنید به ماده ۴ قطعنامه مصوب انستیتو حقوق بین‌الملل در اجلاس سالزبورگ در ۱۹۶۱: «یک دولت نمی‌تواند به فعالیت‌ها یا استفاده‌هایی از آبراه دست یازد که به امکان استفاده دیگر دولت‌ها از همان آب‌ها به‌طور جدی آسیب می‌رساند، مگر آنکه برخورداری این دولت‌ها از امتیازات حقه آنان را تضمین کند... همچنین غرامتی کافی برای ضرر و زیانهای وارده بپردازد».

از این رو، دولت پایین دست باید از آثار سوء جزئی فعالیت‌های همسایه خود چشم‌پوشد، زیرا اینها مشکلاتی است که خواه ناخواه با همجواری پدید می‌آید. به همین دلیل، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل فقط شامل «زیانهای قابل ملاحظه» است (ماده ۷). اما انتخاب معیارهایی واقعی و مطلوب برای تشخیص این میزان چندان ساده نیست. تعیین حدی که از آن به بعد دیگر نمی‌توان ضرر را نادیده انگاشت، قدری دشوار است. با توجه به گوناگونی موارد و نبودن اصول کلی راهگشا در این‌خصوص، هر یک از موارد آزمون خاصی را می‌طلبد که همه خصوصیات آن را باید از نظر گذراند. برای موارد اختلافی که منظور ماست باید دو مورد را از هم جدا کرد: موردی که کاهش آب قابل استفاده در پایین دست بر اثر انحراف جریان آب است، و موردی که سطح آبراه به سبب بهره‌برداری بیش از اندازه کشور بالادست پایین می‌آید.

الف. غیرقانونی بودن تغییر مسیر آبراه:
به‌طورکلی، تغییر دادن مسیر، علاوه

نظام حقوقی منابع آب... ❖ ۱۱۷

بر منتهی شدن به مصرف همه آب و تهی گشتن یا نیمه خشک شدن آبراء، امکان تغییر بستر آبراه در خطوط مرزی را هم بوجود می آورد. انستیتوی حقوق بین الملل در سال ۱۹۱۱ تغییر دادن بستر آبراه را عملی زیان آور قلمداد کرده است. سوازر هال (Suaser-Hall) نیز در درس خود در آکادمی لاهه به سال ۱۹۵۳ بر همین نظر است. به اعتقاد او ایجاد تغییر در محل جریان آب کشور پایین دست یا منحرف کردن آبراه به گونه ای که حوضه آبریز آن تغییر کند، عملی خلاف روابط دوستانه و حسن همجواری دولتهاست.^{۷۹} همچنین تأثیر چنین تغییراتی بر محیط زیست را نمی توان نادیده گرفت و چنانچه این گونه اقدامات تعادل طبیعت و محیط را برهم زند، مشمول حکم اصل بیست و یکم اعلامیه اجلاس ملل متحد برای محیط زیست خواهد بود. مطابق این اصل که آن را بیان قاعده ای عرفی در این باره می دانند.^{۸۰} «دولتها در بهره برداری از منابع خویش و مطابق با سیاستهای خود حق حاکمیت دارند، اما

79. G. Sauser-Hall "L'utilisation industrielle des fleuves internationaux", Recueil des Cours de l'Academie de droit international , 1953, II, p. 539.

80. A. Kiss "Droit international de l'environnement", Pedone, 1989, P. 34.

مکلفند در محدوده صلاحیت یا مناطق تحت نظارت خود به‌گونه‌ای فعالیت کنند که سبب زیان و خسارت به محیط زیست دولتها نشود». به یقین، «امروز همه در این نکته هم سخن‌اند که حقوق حاکمیت سرزمینی به یک دولت حق نمی‌دهد اقدام به منحرف ساختن جریانی کند که به دیگر دولتهای کناره آن آسیب وارد می‌آورد».^{۸۱}

از این رو، می‌توان این ممنوعیت را شامل تلمبه‌زنی اسرائیل از دریاچه طبریه دانست. البته اسرائیل مدعی است که تلمبه‌زنی غیر از انحراف جریان است. واقعیت نیز همین است، زیرا مسیر رود اردن تغییری نکرده است. ولی منشأ اصلی کاهش آبدهی رود اردن در محل خروج از دریاچه، چیزی جز عملیات اسرائیل نیست. شورای امنیت در قطعنامه ۴۴۶ در ۲۲ مارس ۱۹۷۹، هیأتی را مأمور بررسی «وضعیت گروههای ساکن سرزمینهای اشغالی» کرد. این شورا در قطعنامه ۴۶۵ خود به تاریخ اول مارس ۱۹۸۰ از این هیأت خواست که به «تحقیق راجع به تقلیل منابع طبیعی بخصوص منابع آب بپردازد». در آن زمان

81. Cf. A Colliard, op. cit., P. 380.

این هیأت چنین گزارش داد که «در سرزمینهای اشغال شده اعراب کمبود آب محسوس است».^{۸۲} گزارشهای سازمان ملل هم مؤید ادامه این وضعیت تاکنون است و در عمل، بخش قابل ملاحظه‌ای از نیاز اسرائیل از طریق همین عملیات و برگردان مسیر رود اردن تأمین می‌شود. این مقدار حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب در سال است. بردن چنان حجم عظیمی از آبهای این رود، سبب شده است تا املاح باقیمانده آبها افزایش پیدا کند و در نتیجه مصارف خانگی یا آبیاری مزارع با آن با دشواریهایی روبرو شود.^{۸۳}

صرفنظر از موضوع تنظیم آبدهی، مک کافری (Mc caffrey)، مخبر ویژه پیشین کمیسیون حقوق بین‌الملل در مسأله «حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراههای بین‌المللی»، بر این نظر راسخ بوده است که برای تأمین استفاده‌های گوناگون از آبراهها تضمین و اطمینان از حداقل

82. Doc S/14268, 25 Novembre 1980, Conseil de Securite, Doc off. 35 annee, Supplement d'october, Novembre, December 1980, pp. 57 et suiv.

83. "Souverainete Permanente sur les ressources nationales dans les territoires Palestiniens et autres territoires arabes occupes", Rapport du Secetaire General A/39/326, 29 juin 1984, PP. 11 et 15.

آبدهی آبراه ضرورتی تام دارد.^{۸۴}
شایان ذکر است مطابق اصل استفاده
منصفانه، که اسرائیل با استناد به آن
بخش عظیمی از آبهای یرموک را نیز طلب
می‌کند،^{۸۵} توزیع آب رود اردن باید
به‌گونه‌ای باشد که هر طرف بتواند حداکثر
نیازهای خود را برآورده کند. اما چنین
به‌نظر می‌رسد که از رود اردن بدین‌گونه
استفاده نمی‌شود. در حالی که مقامات
اسرائیلی بر همه منابع آب کرانه باختری
رود اردن «چنگ انداخته‌اند» و سهم
اسرائیل و کسانی که به مناطق اشغالی
کوچ کرده‌اند ۵۶۰ میلیون مترمکعب است،
سهم فلسطینی‌ها از ۱۲۰ میلیون فراتر
نمی‌رود.^{۸۶*}

84. 5 Rapport, Doc. A/CN. 4/421/Add 2, P. 9. On a parle a cet egard de "minimrm flow Doctrine".

85. Cf. supra, note 38.

86. Evolution recente de la situation economique dans les territoires palestiniens occupes", Rapport du Secretaire General de la CNUCED. TD/B/1221, 18 Juillet 1980, p. 17.

*. با امضای موافقتنامه فلسطینی‌ها با اسرائیل در اردیبهشت ۱۳۷۳ موسوم به توافق غزه - اریحا، و همان‌گونه‌که از مقدمه آن برمی‌آید، گویا «زمان پایان دادن به چند دهه کشمکش فرا رسیده و دوران شناسایی متقابل حقوق قانونی و سیاسی و تحقق صلح فراگیر و مصالحه تاریخی از راه فرایند سیاسی آغاز شده است» و کرانه باختری رود اردن و نوار غزه در طول مدت انتقالی به حاکمیت فلسطینیان درخواهد آمد.

❖ ۱۲۱ نظام حقوقی منابع آب...

ب. استفاده بیش از حد کشور بالادست از آبراه:

دولت سوریه، و اخیراً دولت عراق، ترکیه را متهم کرده‌اند که از آب فرات بیش از اندازه و مغایر با منافع مشروع آن دو استفاده می‌کند. هر چند زمان ارزیابی همه عواقب خسارت‌بار اجرای طرح «گاپ» فرا نرسیده است و لی نتایج و ابعاد این برنامه جای آن را دارد که عراق و سوریه نگران کاهش آبدی فرات در پایین دست باشند و بتوانند ذخیره‌ای منظم را از ترکیه طلب کنند. ترکیه در پیمان صلح لوزان مورخ ژوئیه ۱۹۲۳ متعهد

بنا به وعده‌های داده شده، در این مدت فلسطینی‌ها برای گسترش و توسعه اقتصادی، اداراتی چون اداره برق، اداره اراضی، بانک توسعه و از جمله سازمان آب تأسیس خواهند کرد. از این رو، می‌توان انتظار داشت یکی از مسائل مهم مورد مذاکره و توافقی جزئی آینده، در مورد منابع آب کرانه باختری رود اردن باشد که هم اسرائیل و هم فلسطینیان محنت کشیده برای بقای خود به آن نیاز فراوان دارند.

مطابق بند ۱ پیوست شماره ۳ توافقنامه موسوم به غزه - اریحا، برنامه همکاری در اداره منابع آب در کرانه باختری و نوار غزه و استفاده عادلانه هر دو طرف از منابع آبی مشترک در مرحله انتقالی و بعد از آن پیش بینی شده است (برای مطالعه متن کامل پیش نویس توافق ساف و اسرائیل رک. فصلنامه خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، س اول، ش ۱، تابستان ۱۳۷۳، صص ۱۲۹ به بعد).

شده است حقوق مکتسب پیش از فروپاشی امپراتوری عثمانی را محترم بدارد. طبق ماده ۱۰۹ این معاهده «هرگاه بر اثر تعیین مرز جدید، نظم و جریان آبها در یک کشور به فعالیت‌های دولت دیگر وابسته شود یا اگر برحسب سابقه استفاده قبل از جنگ، از آبهایی که در سرزمین یک دولت جمع و روان می‌شوند، دولت دیگر بهره گیرد و یا نیروی آبی تولید کند، باید بین دولت‌های ذی‌نفع به‌گونه‌ای سازش و تفاهم برقرار شود که منافع و حقوق مکتسب هر یک محفوظ و در امان بماند، مگر آنکه به شکل دیگری توافق شود».^{۸۷} از این رو، سوریه و عراق که با اضمحلال قدرت عثمانی سربرآورده‌اند حق دارند با استناد به این مقرره، رعایت حقوق مکتسب خود بر آبهای فرات را مطالبه کنند. پروتکل سال ۱۹۸۷ نیز که طی آن ترکیه تأمین حداقل آبدهی را برای سوریه در هنگام آبیگری سد آتاترک تعهد کرده است، مؤید همین معناست. اما از آنجا که این پروتکل ترتیبی موقتی است، طرفین ملتزم شده‌اند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، با

87. Recueil des Traités de la Société des Nations, vol. XXVIII, p. 94.

همکاری عراق به توافقی برای تقسیم آب فرات دست یابند، ولی تاکنون مذاکره‌ای در این خصوص انجام نشده است. بعلاوه، موضع ترکیه و تلقی سنتی این دولت در استفاده دلخواه از آبهای تحت حاکمیت خود، راه رسیدن به چنین توافقی را ناهموار می‌سازد.^{۸۸}

به همین دلیل بود که این دولت پیش از آغاز عملیات بزرگ خود در قسمت علیای فرات، از انجام وظیفه‌ای که بخشی از حقوق بین‌الملل عام است خودداری کرد و از اطلاع موضوع و مشورت* با دولتهای

۸۸. سلیمان دمیرل نخست وزیر {وقت} ترکیه به مناسبت افتتاح رسمی سد آتاترک، در گفتگوی مطبوعاتی در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۲ اعلام کرد: «دجله و فرات و شانهای آن، آبهایی هستند که از کشور جاری میشوند و به ترکیه تعلق دارند. ترکیه هم هر طور که مایل باشد از آبهای استفاده میکند».

Keyhan International (Tehran), 2 Juillet 1992.

* مطابق اصل ۱۹ اعلامیه کنفرانس بین المللی محیط زیست که در بهار ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) در ریو دو ژانیرو برگزار شد، «دولتها باید امکان به خطر افتادن دولتهای دیگر را قبلاً و بموقع اطلاع دهند. همچنین باید اطلاعات تخصصی در مورد فعالیتهایی را که احتمالاً دارای آثار سوء و جدی هستند و از محدوده مرزها فراتر می‌روند، در اختیار دیگر دولتها بگذارند و با آنها در اسرع وقت و با اعتماد کامل مشورت کنند». کمیسیون حقوق بین الملل که سرگرم تهیه طرحی راجع به «مسئولیت بین المللی» از اعمالی است که حقوق بین الملل آن را منع نکرده باشد، ضمن تصریح به این نکته که دولتها آزادی عمل بی قید و

قسمت سفلی رود یعنی سوریه و عراق سرباز
زد. ۸۹

نتیجه

در خاورمیانه کمبود آب چنان است که
تصور آزادی کامل دولت بالادست در
بهره‌گیری از منابع آب آبراهها محال
می‌نماید.

از آن گذشته، معاهدات دوجانبه در
این باب حکایت از حقوق بین‌الملل
منطقه‌ای دارد که حقوق حاکمه دولت

شرط در استفاده از سرزمین یا نقاط تحت صلاحیت و نظارت
خود ندارند، آنان را متعهد به همکاری و اطلاع دادن
موضوع فعالیت خود به دولتهای متضرر احتمالی دانسته
است. در این جهت حتی حقی نیز برای چنین دولتی در نظر
گرفته شده است که به ابتکار خود با دولتی که فعالیت
آن به ضررش خواهد انجامید، وارد مذاکره و ارزیابی
موضوع شود و بدین طریق از منافع خود دفاع کند.

Cf. Report of the international law commission on the work of its forty-fifth session, General
Assembly (1993), n 10 (A/48/10), P. 71.

سالها پیش از این، برخی از حقوقدانان برای پیشگیری و
پرهیز از خطرات و تأثیرات پیش‌بینی نشده از برخی
فعالیت‌های انسانی، همه دولتها را متعهد دانسته‌اند که
پیش از آغاز آن فعالیت به همکاری و رایزنی و بررسی
موضوع با دیگران بپردازد.

Cf. C. W. Jenks: "Liability for ultra – hazardous activities in international law", R. C. A. D. I.,
1966, vol. 117, P. 194.

89. P. M. Dupuy "La gestion concertée des L'essources naturelles partagees: a propos du dif-
ferend entre l'Argentine et le Bresil relatif au barrage d'Itaipu", A. F. D. I. vol. XXIV, 1978, pp.
881et suiv. et Julio A. Barberis, op. cit., pp. 49 et suiv. Cf. aussi la troisieme partie du projet
d'articles de la C. D. I. intitulee "mesures projetees". Art. 11 et 12.

نظام حقوقي منابع آب... ❖ ۱۲۵

بالادست را محدود و جریان منظم آب را به نفع کشور پایین دست و رفع نیازهای آن پیش‌بینی می‌کند. با این همه، باید دانست برای مشارکتی معقول و منصفانه از منابع آب، همکاری دولتهای کناره آبراه جز در اوضاعی آرام و بدون تنش میسر نمی‌گردد و این همان چیزی است که نبودش در خاورمیانه از آفتاب روشن‌تر است.*

*. در خاورمیانه که آب، دستکم به اندازه مایع مهمی چون نفت، اهمیت پیدا کرده ظاهراً یافتن راه حلهای مشترک برای تقسیم عادلانه آب مورد توجه قرار گرفته است. تن دادن اردن به صلحی جدا از سایر اعراب با اسرائیل و نزدیکتر شدن دولتهای عرب و اسرائیل و کاهش نقش ترکیه در تأثیر بر امور سیاسی منطقه، نشان از آن دارد که روند استفاده مشترک از منابع آب منطقه سمت مشخص تری خواهد گرفت.